

نقش سیاست‌گذاری‌های دولت در تقویت پیوندهای شهری-روستایی و تأثیر آن بر تحولات

ساختاری-کارکردی مسکن روستایی شهرستان مریوان

عبدالحمید نظری^{۱*}، شاهبختی رستمی^۲، مصطفی طالشی^۳، مسعود خوران^۴

۱. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

۲. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

۳. استاد گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

۴. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۹)

The Role of Government Policies in Strengthening Urban-Rural Links and its Impact on Structural-Functional Developments in Rural Housing in Marivan Township**Abdul Hamid Nazari^{1*}, Shahbakhti Rostami², Mostafa Taleshi³, Masoud khoran⁴**

1. Associate Professor, Department of Geography, Payame Nour University

2. Associate Professor, Department of Geography, Payame Nour University

3. Professor, Department of Geography, Payame Nour University

4. Ph.D. Student in Geography and Rural Planning, Payame Nour University

(Received: 25/Jan/2020)

Accepted: 10/Jul/2020)

Abstract

In geographical studies based on systemic approach, each area is considered as an open system in which villages and cities are the two main components of the residential system. Villages and cities have structures and functions that evolve through the interaction of the natural environment and human groups. These structures and functions in Marivan Township have undergone many changes due to government intervention and policies. Government interventions have taken the form of rural development and post-war reconstruction programs (expansion of communication networks), security, and the strengthening of economic foundations (opening of informal border markets). The aim of the present paper was to investigate the impact of the mentioned policies on the structural-functional changes of rural housing. The present study is applied in terms of purpose, descriptive-analytical in nature, and methodologically based on the positivist approach. The statistical population includes households living in 121 villages with more than 20 households (2016 census) in Marivan Township. The sample size was determined using Cochran's formula in two steps. First, 52 villages were selected by cluster sampling method in proportion to the share of the western and eastern areas of the township, 27 and 24 villages, respectively. Then, out of a total of 6305 households, 307 were selected by simple random sampling. The results showed that the housing in the western areas has undergone more structural and functional changes. According to the t-test, the average difference in changes related to the pattern of construction and form (4.64 units), biological elements (8.99 units) and livelihood (20.69 units) of rural housing in the western area is greater than the eastern part of the township.

Keywords: Government Policies, Rural-Urban Linkages, Structural-Functional Changes, Rural Housing, Marivan Township.

چکیده

در مطالعات جغرافیایی بر مبنای نگرش سیستمی، هر ناحیه جغرافیایی بمنزله سیستم باز تلقی می‌شود که روستاها و شهرها به عنوان دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی دارای ساختار و کارکردهایی هستند که به واسطه اثر متقابل محیط طبیعی و گروه‌های انسانی تکوین می‌یابند. این ساختار و کارکردها در شهرستان مریوان به دلیل دخالت و سیاست‌گذاری‌های دولت که در قالب برنامه‌های عمران روستایی و بازسازی پس از جنگ تحمیلی (گسترش شبکه‌های ارتباطی)، ایجاد امنیت و تقویت بنیان‌های اقتصادی (گشایش بازارچه‌های مرزی غیر رسمی) انجام گرفت، دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفته است. این مقاله با هدف بررسی تأثیر سیاست-گذاری‌های مذکور در تحولات ساختاری-کارکردی مسکن روستایی انجام گرفت. روش انجام پژوهش از حیث هدف از نوع کاربردی و از حیث ماهیت توصیفی-تحلیلی و از لحاظ روش‌شناسی متکی بر رویکرد اثبات‌گرایی است. جامعه آماری آن را خانوارهای ساکن در ۱۲۱ روستای بالای ۲۰ خانوار (سرشماری ۱۳۹۵) شهرستان مریوان تشکیل می‌دهد. تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران در دو مرحله صورت گرفت. نخست ۵۲ روستا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و متناسب با سهم حوزه‌های غربی و شرقی شهرستان به ترتیب ۲۷ و ۲۴ آبادی انتخاب شد. سپس از کل ۶۳۰۵ خانوار ساکن، ۳۰۷ خانوار تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شد. مقایسه نتایج داده‌ها نشان داد که مسکن حوزه‌های غربی، هم به لحاظ ساختاری و هم کارکردی دچار تغییرات بیشتر شده‌اند. به طوری که طبق آزمون T میانگین تفاوت تغییرات مربوط به الگوی ساخت و فرم (۴/۶۴ واحد) عناصر زیستی (۸/۹۹ واحد) و معیشتی (۲۰/۶۹ واحد) مسکن روستایی در حوزه غربی بیشتر از حوزه شرقی شهرستان است.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری‌های دولت، پیوندهای روستایی-شهری، تحولات ساختاری-کارکردی، مسکن روستایی، شهرستان مریوان.

*Corresponding Author: Abdul Hamid Nazari

E-mail: Ah.nazari.204@gmail.com

مقدمه

در مطالعات جغرافیایی بر مبنای نگرش سیستمی هر سکونتگاه اعم از روستایی و شهری، دارای ساختار و کارکردهایی هستند که به واسطه اثر متقابل محیط طبیعی و گروه‌های انسانی تکوین می‌یابند. این سکونتگاه‌ها در گذر زمان در حال تغییر و تحول هستند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳). میزان این پویایی تابع شدت نیروها و عوامل مختلف است که موجب تغییر و تحول در ساختارها و کارکردها و نهایتاً کل نظام آن‌ها می‌شود (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۳). این دگرگونی‌ها، برخی درون‌زا بوده و تحت تأثیر نیروهای درونی و محلی به وجود آمده و برخی متأثر از عوامل و رخداد‌های بیرونی از جمله سیاست‌گذاری‌ها و یا اقدامات عمرانی دولت‌هاست که در مقیاس محلی، ناحیه‌ای و ملی در بستر فضای جغرافیایی ظاهر می‌شود. در واقع دولت به مفهوم نوین خود مهمترین و مسلط‌ترین عنصری است که از یک سو با کنترل عظیم تکنولوژی و از سوی دیگر با اعمال سیاست‌های امنیت ملی و توسعه پیوند مستقیمی با جامعه برقرار می‌سازد (ناندی، ۱۳۷۷: ۲۳۳). بدین‌سان کارگزاران دولتی در شهرها با در اختیار داشتن کلیه نهادهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اداری، از طریق تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه نقش مهمی در بسترسازی و هدایت جامعه در سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، به‌ویژه در مناسبات شهری و روستایی ایفا می‌کند (نظری، ۱۳۸۰: ۴۵). از این‌رو شهرها به‌عنوان کانون‌های نواحی، نه تنها به سبب تجمع مراکز تجاری، مالی، صنعتی و خدماتی، بلکه به سبب استقرار ادارات، مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداری نیز محسوب می‌شوند. به گونه‌ای که امروزه شرایط موجود در سکونتگاه‌های روستایی و شهری به شدت تحت تأثیر کم و کیف مناسباتی است که در زمینه‌های مختلف میان آن‌ها وجود دارد (لینچ، ۲۰۰۵: ۵-۱). بنابراین جوامع روستایی به عنوان بخشی از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی طی دهه‌های اخیر با توجه به دگرگونی‌های حاصل از سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی دولت، ضمن ایجاد رابطه‌ای پیچیده و تنگاتنگ با جوامع شهری، دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری در عرصه کالبدی-فضایی خود شده‌اند که شناخت و تبیین ابعاد این دگرگونی‌ها؛ در راستای برنامه‌ریزی فضایی مهم است. با این تحولات فضایی، همراه با پیچیده شدن روابط و مناسبات شهر و

روستا و به دنبال آن تأثیرپذیری از محیط‌های شهری و تقلید از آداب و رسوم زندگی و شیوه‌های سکونتی و الگوهای ساخت و ساز، بافت و سیمای فضایی-کالبدی روستاها از جمله مسکن به شدت دستخوش دگرگونی و تحول گردید (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۱). در این راستا شهرها به عنوان کانون برتر در فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده‌ای بر روند الگوهای ساخت مسکن و عملکردهای معیشتی سکونتگاه‌های روستایی داشته‌اند (مرادی، ۱۳۹۴: ۳۹۸-۳۸۳). چرا که در کنار غذا و پوشاک، مسکن یکی از ضروریات و یک حقوق اساسی بشر است تا بتواند در یک وضعیت امن و باعزت در آن زندگی کند (kumar et al: 2017:2). از سوی دیگر مسکن عملکردهای مهمی مانند تأمین نیازهای بیولوژیکی، روانشناختی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی جوامع دارد؛ این چنین ساختی نشان‌دهنده ارزش اقتصادی یک جامعه است (Ahmad et al : 2014:16). به نحوی که برخی از مسکن روستایی تحت تأثیر گسترش شهرنشینی از نظر ساختار فیزیکی و فضایی به کلی دگرگون شده و برخی دیگر به نحوی متفاوت دست به تحول و توسعه ساختاری-کارکردی زده‌اند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۸). تا جایی که ساخت مسکن جدید در مناطق روستایی با الگوبرداری از معماری شهری، میزان توسعه منطقه را نشان می‌دهد (Ghiurca et al:2012:2). سیاست‌گذاری‌های دولت به عنوان عوامل بیرونی به طور غیرمستقیم در ساختار و کارکرد مسکن روستایی اثرگذار بوده که در قالب سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای نمود پیدا کرده است. این دخالت در ناحیه مورد مطالعه به صورت اجرای برنامه‌های توسعه‌ای (توسعه زیرساخت‌ها و برنامه‌های عمرانی) و بازگشایی بازارچه‌های مرزی غیررسمی بوده است که بیشتر درآمد ناشی از آن‌ها به سمت ساخت و ساز در روستاهای ناحیه مورد مطالعه هدایت شده است. به عقیده صاحب‌نظران، فعالیت‌های اقتصادی مناطق مرزی در توسعه اقتصادی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و افزایش ساخت و ساز مسکن این مناطق نقشی اساسی دارند (بدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴). چرا که روستاییان با بهبود شرایط اقتصادی، ساختمان‌های جدید و بادام منطبق با الگو و معماری شهری می‌سازند (Ling et al :2018:1-9). بنابراین با توجه به اینکه حداقل از برنامه سوم توسعه به بعد، تدوین برنامه‌های پنج‌ساله بر پایه راهبرد توسعه‌پایدار صورت گرفته (سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۷۸: ۱۱-۷ و سازمان

به دلیل دوری از مرز عراق کمتر در معرض خسارات ناشی از جنگ قرار گرفته و به لحاظ سیاسی دغدغه امنیتی کمتری را فراروی کارگزاران دولتی قرار داده بود، بنابراین از مزایای اجرای برنامه‌های توسعه ای کمتری بهره‌مند شد؛ چرا که طی دورهٔ زمانی ۲۰ ساله (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵)، سطح عملیات عمرانی دولت در توسعه زیرساخت‌های کالبدی روستاها ناچیز بوده به گونه‌ای که شبکه راه‌های آسفالت شده از ۴/۸ درصد به ۲۳/۸ درصد رسیده است. همچنین ۴۳/۱ درصد از روستاها دارای آب لوله‌کشی، ۳۴/۵ درصد دارای شبکه دفع فاضلاب و ۱۵/۵ درصد از طرح‌های کالبدی (طرح‌های) برخوردار شده- اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، اطلاعات آرشیوی، ۱۳۹۵) از سوی دیگر اقتصاد آن‌ها ضمن تأثیرپذیری از شرایط توپوگرافی متفاوت نسبت به حوزه غربی به‌طور سنتی کماکان بر معیشت دامی-زراعی استوار بوده و پیوند ضعیف‌تری با شهر میوان دارد. از این‌روی مسکن آن نسبت به بخش غربی، ساختار و کارکردهای مبتنی بر وضعیت طبیعی منطقه و کارکردهای اقتصادی- معیشتی بومی را حفظ کرده است. بنابراین در مقایسه با روستاهای حوزه غربی ساخت بناهای منطبق با الگو و معماری شهری ناچیز و در نتیجه شاهد تحولات مسکن کمتری است؛ بنابراین صرف‌نظر از نزدیکی این شهر به روستاهای حوزه غربی و ضروریات ناشی از مسائل سیاسی و امنیتی حاشیه مرز، بررسی دخالت‌های دولت با هر هدفی که صورت گرفته باشد، در بر هم زدن نظام پیشین و تحلیل تباینات ساختاری-کارکردی کنونی سکونتگاه‌های روستایی دو حوزه، حائز اهمیت خاصی است. بی‌تردید ریشه‌یابی این تباینات در پیشینه تحقیق و حوزه‌های نظری به شناخت دقیق‌تر موضوع کمک خواهد نمود.

در مکاتب فلسفی تبیین پدیده‌های جغرافیایی به مفهوم علم شناخت مکان و فضا به‌شدت از رویکرد سیستمی تأثیر می‌پذیرد. در این نگرش هر فضای جغرافیایی به‌مثابه سیستم (نظام) بازی است (Hagget, 1972: 17) که هستی و بقاء آن در گرو ارتباط با سایر نظام‌ها است. در واقع هر فضای جغرافیایی دارای ساختی است که از اجزا و عناصر مختلفی تشکیل شده است. در یک ساخت^۱ هر جزء یا عنصر در پیوند با عناصر و اجزای دیگر است و بدون ارتباط با آن‌ها نمی‌تواند، هویت ساختی خود را حفظ نماید. مضافاً هر ساخت توسط یک

مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵: ۱۷۴-۴۳) و اینکه شالوده راهبرد مذکور مبتنی بر نگرش سیستمی است، بررسی پیامدهای فضایی این‌گونه دخالت‌ها در مطالعات جغرافیایی حائز اهمیت وافر است.

شهرستان میوان به‌عنوان یکی از نواحی مهم و بنا به موقعیت ژئوپلیتیک خود در حاشیه مرز عراق و شهر میوان به‌عنوان کانون این ناحیه، گرچه در مراحل آغازین شکل‌گیری، به لحاظ تشابهات محیط جغرافیایی در سطح شهرستان، روابط یکنواخت و نسبتاً همسانی با روستاهای پیرامون خود داشته است، اما این روابط در گذر زمان به سبب رخدادهای سیاسی اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی، به‌ویژه پس از گشایش بازارچه‌های مرزی، دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که امروزه شاخص‌های توسعه حوزه غربی آن به‌مراتب بهتر از حوزه شرقی است. زیرا روستاهای واقع در حوزه غربی شهرستان از یک‌سو به سبب سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت به‌واسطه بازسازی پس از جنگ به‌ویژه به‌سازی شبکه ارتباطی و سیستم حمل‌ونقل با افزایش راه‌های آسفالت شده از ۳۷/۸ درصد به ۸۶ درصد طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ و از سوی دیگر با افزایش حجم عملیات عمرانی دولت، ۷۹/۸ درصد روستاها از شبکه آب لوله‌کشی، ۷۲/۳ درصد دارای شبکه دفع فاضلاب، ۹۹ درصد دارای شبکه گازرسانی و ۵۳/۲ درصد از طرح‌های کالبدی (طرح‌های) برخوردار شده‌اند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، اطلاعات آرشیوی، ۱۳۹۵) از سوی دیگر ایجاد بازارچه‌های مرزی غیر رسمی («کانی‌چنار» و «خانمه شیخان») موجب تقویت پیوندهای روستایی حوزه غربی با شهر میوان شده است. زیرا به‌واسطه ایجاد این بازارچه‌ها و ساماندهی قاچاق کالا، شالوده اقتصادی آن‌ها نسبت به حوزه شرقی شهرستان تقویت شد. این عامل موجبات افزایش درآمد و هدایت آن به سمت ساخت و ساز مسکن با تقلید از الگوی غیربومی را در روستاهای حوزه غربی فراهم کرد. عواملی که به‌نوبه خود پیوندهای فضایی روستاهای حوزه غربی را با کانون ناحیه (شهر میوان) تقویت نموده و در نتیجه به تحولات ساختاری و کارکردی مسکن در آن دامن زده است. این تحولات و دگرگونی‌های کالبدی که همخوانی چندانی با فرهنگ و نوع اقتصاد حاکم بر این کانون‌های سکونتگاهی ندارد، ضمن ایجاد ناسازگاری‌های اقتصادی-اجتماعی در روستاها موجبات تغییر در کارکرد فضاهای زیستی و معیشتی را نیز فراهم آورده است. برعکس روستاهای حوزه شرقی که

دارد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۳). در این رویکرد، مجموعه‌ای مراکز هم سطح به صورت خوشه‌هایی شبکه‌ای را به وجود می‌آورند که با سایر مراکز بر اساس فعالیت‌های کلیدی در ارتباط و در معرض کنش و واکنش متقابل و دوسویه خواهد بود که با تأکید بر مطالعه و بررسی دقیق جریان‌های بین مراکز مختلف شکل می‌گیرد (سعیدی و تقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۷). کاهش فاصله‌های زمانی بین سکونتگاه‌ها از طریق شبکه‌های نوین ارتباطات و حمل و نقل، این امکان را فراهم آورده است که شهرها و روستاهای پراکنده و دور افتاده را به یکدیگر پیوند داده، طیف مؤثری از تعامل را فراهم آورد، به نحوی که تصور این امر حتی تا یکی - دو دهه پیش ناممکن به نظر می‌آمد (عزیزپور و قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۹۷).

در این خصوص سعیدی به تأسی از تفکرات فوق و با الهام از رویکرد «ساختاری-کارکردی» باب گفتمان جدیدی را تحت عنوان «پویای ساختاری-کارکردی» بازنموده است. وی معتقد است که در روابط شهر و روستا به‌عنوان دو نوع اصلی سکونتگاه‌های انسانی به خاطر دگرگونی‌ها و پدیداری بستگی‌های تازه در کنار روابط سنتی، نوعی پیوستگی میان این دو عرصه زیستی پدیدار شده است که مبتنی بر تفاوت‌های مکانی-فضایی از یک ناحیه به ناحیه دیگر به نحوی متفاوت جلوه‌گر شده و می‌شود (سعیدی، ۱۳۸۲: ۷۴). به‌زعم وی منشأ اصلی تغییر و تحولات فضایی، تغییر در «ساختار» است که به تبع آن، «کارکردهای» فضایی نیز تغییر و تحول می‌یابند (سعیدی، ۱۳۷۷: ۵). فرض اساسی رویکرد «پویای ساختاری-کارکردی» بر این واقعیت استوار است که میان ساختار و کارکردهای تمام پدیده‌های جغرافیایی نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌سازد. بدین سان هر نظام دارای قابلیت‌هایی است که به نیروهای مرتبط با اجزای تشکیل‌دهنده ساختار آن مرتبط است، اما هیچ نظامی در خالاً به کارکردهای خود نمی‌پردازد. در واقع در عرصه محیط - نظام است که تعامل نظام‌ها به سرانجام می‌رسد. بدین سان نظام‌های مکانی - فضایی متأثر از دودسته عوامل و نیروها هستند: عوامل و نیروهای درونی و عوامل و نیروهای بیرونی (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). بنابراین با عنایت به پیوستگی ساختاری - کارکردی نظام‌های مکانی - فضایی می‌توان انتظار داشت که تغییر و دگرگونی در یک جزو از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظاموار، ممکن است به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه

نظام (سیستم) اداره شده و سازمان می‌یابد (دلفوس اولیویه، ۱۳۷۳: ۳۷). بدین ترتیب ساختار به مجموعه عناصر و پیوندهای فی‌مابین آن‌ها و جریان‌های حاصل اطلاق می‌شود (Gohnson, 1997: 174). همچنین هر ساختی کارکردی دارد که وظیفه و علیت وجودی آن را مشخص می‌سازد (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۳). از این روی در مطالعات جغرافیایی به‌ویژه در بررسی مناسبات روستایی-شهری و پیوندهای بین آن‌ها، تحلیل‌های ساختاری-کارکردی جایگاه خاصی دارد. زیرا بنا به ماهیت باز بودن سیستم، عناصر ساختی و کارکردهایشان طی فرآیندی زمانی همواره در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارد. طبق تعریف، «تغییرات کارکردی به مفهوم تغییر و دگرگونی نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌ها تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی و پیوند اثرات متقابل آن‌ها است» (محمدزاده، ۱۳۸۹: ۶۲).

برخلاف نظریات سنتی در مطالعات روابط شهر و روستا، که بر روابط یک‌سویه و سلطه آمیز شهر و روستا تأکید داشتند (فضلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷) امروزه در سایه تحولات نوین فنی و گسترش ارتباطات، بحث پیوندهای روستایی-شهری بیشتر مطرح است (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۳۰۱). این پیوندها که شامل عملکردها و جریان‌های مکمل (مردم، سرمایه، کالا، اشتغال، اطلاعات) بین مناطق شهری و روستایی است، نویددهنده گذر از روابط سنتی سلطه‌جو به سوی پیوندهای متقابل و مکمل هستند (Siechiping et al, 2015: 22-25). این روابط متعامل و متقابل، اساس پایداری و پیوستگی‌های روستایی-شهری است (طالشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۲-۱۹۶). اگرچه این‌گونه نگرش ابتدا با نقد ثنوری قطب رشد و ارائه نظریه «مرکز - پیرامون» از سوی جان فریدمن آغاز گردید، اما تبیین آن در قالب راهبرد «شبکه منطقه‌ای» توسط مایک داگلاس (۱۹۹۸) که اتکاء خاصی به پیوندهای دوسویه روستایی-شهری داشت، منجر به بسط آن گردید. به‌گونه‌ای که لینچ (۲۰۰۵) در این خصوص می‌نویسد «شهرهای دنیای در حال توسعه از طریق همین پیوندهای خود، نواحی روستایی را به بازارهای جهانی متصل می‌سازند». (لینچ، ۲۰۰۵: ۲۱۲-۲۰۸). به عبارت دیگر شهرها مقیاس عملکردی هستند که می‌توانند توسعه اقتصادی روستاها را در پی داشته باشند (Beel et al, 2019: 2-5) و آنچه به این مهم دامن می‌زند، دگرگونی‌های شگرف روابط و مناسبات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در قالب «نظم نوین جهانی» است که بیش از پیش مورد توجه و تأکید مجامع علمی و کارشناسی قرار

انحراف معیار و در آمار استنباطی از آزمون باینومیال و رگرسیون چند متغیره بهره گرفته‌اند. بر اساس نتایج، اقتصاد (سرمایه و اعتبارات) بیشترین سهم را در تحولات مسکن داشته‌اند. کارکرد مسکن نیز در سکونتگاه‌های روستایی به سمت خوابگاهی در حال تحول است. تورگات^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه خود تحت عنوان فرهنگ، تداوم و تغییر: تحلیل ساختاری الگوی مسکن را در سکونتگاه‌های روستایی اسکواتر در کشور ترکیه را مورد مطالعه قرار دادند. ایشان معتقدند عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی باعث تغییر شکل مسکن می‌شود. تغییرات فرهنگی (به خصوص تغییر از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی) بر الگوی مسکن و طرح‌های مسکونی اثرات متعددی برجای نهاده است. بانسکی و وسولوسکا^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات تحولات اقتصادی را در ۱۵ دهکده در منطقه لوبین شرق لهستان با روش میدانی (نظرسنجی و پرسشنامه)، مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است ساختمان‌های جدیدی به شدت در حال شکل‌گیری است که خود تابعی از میزان نزدیکی به حومه شهر و فاصله از آن است. همچنین اختلافاتی بین بروز مسکن جدید با فعالیت کشاورزی آنجا وجود دارد. الیو احمد و دیگران (۲۰۱۴) در تحقیقی متکی بر دیدگاه نظری توسعه روستایی، مشکلات مسکن را در روستاهای پیرامون کلانشهر داس در کشور نیجریه تبیین کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بیشتر خانه‌های روستایی ساختار خانواده‌های گسترده دارند که در آن اندازه خانواده، شکل و ساختار مسکن پویا است. این فرآیند، تغییرات مداوم است که با تأثیرات الگوی شهری منجر به رشد، تقسیم یا افول می‌شود. از سویی دیگر بیشتر بناها از مصالح ساختمانی فاقد استحکام ساخته شده‌اند، زیرا انبوه ساکنان روستایی درآمد کم دارند. در کل ساختار و کارکرد خانه‌ها با جایگزینی فناوری مدرن به جای سنتی مداوم در حال تغییر است. نگاهی به نتایج حاصل در مطالعات مذکور بیانگر آن است که عموماً این مطالعات بدون توجه به علل و عوامل اثرگذار، صرفاً پیامدهای تغییر مسکن را از دو منظر تغییر الگوی مسکن و اقتصاد مسکن (قیمت، بورس بازی) مورد بررسی قرار داده‌اند، درحالی‌که مقاله حاضر درصدد شناسایی نقش عوامل اثرگذار بیرونی بر تغییرات ساختار و کارکردشناسی مسکن روستایی است. بنابراین با توجه به توضیحات فوق، پژوهش حاضر دو

تغییر و دگرگونی کلی نظام را فراهم می‌آورد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۸-۱۶).

بررسی پیشینه تحقیق نیز مؤید این گونه تغییرات است. از جمله:

طاهرخانی و دیگران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای به تحلیل نقش روابط شهر و روستا در تحولات ۶۵ روستای شهرستان قزوین پرداخته‌اند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از جریان ماتریس بهره گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد، الگوی سنتی معماری مسکن روستایی کم رنگ و سبک معماری شهری افزایش یافته است. قادرمرزی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحولات ساختاری - کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج را با روش توصیفی - تحلیلی در چهار شاخص عمده اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و کالبدی مورد واکاوی قرار دادند. نتایج تحقیق ایشان در زمینه کالبدی نشان می‌دهد، ساختار کلی خانه‌های روستایی پیرامون متأثر از شهر سنندج دگرگون شده است. گسترش ساختمان‌های بلندمرتبه، افزایش واحدهای مسکونی کوچک‌مقیاس از تغییرات مسکن محدوده مورد مطالعه است. صیدایی و دیگران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تغییرات کالبدی مسکن در روستا - شهر ده چشمه شهرستان فارس را با روش تلفیقی تاریخی و توصیفی - تحلیلی، مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق از آزمون واریانس یک طرفه و همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، امروزه خانه‌های که ساخته می‌شوند با بالا رفتن سطح درآمد روستاییان از مصالح مقاوم شهری استفاده می‌شود. از سوی دیگر گسترش الگوی شهری باعث از دست دادن هویت بومی مردمان شده است. رحمانی و دیگران (۱۳۹۵) تحولات ساختاری - کارکردی مسکن روستاهای پیرامون شهر اشتریان را با روش توصیفی - تحلیلی با تأثیرگذاری چهار عامل محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و نهادی - سیاسی در اجزای مسکن را مورد تبیین قرار دادند. ایشان به این نتیجه رسیدند، الگوی معماری شهری در مسکن روستایی رواج یافته و همچنین از مصالح جدید جهت تقویت استحکام بنا استفاده کرده‌اند. از دیگر نتایج افزایش آسپزخانه‌های اُپن و حذف فضاهای سنتی در مسکن روستایی است.

اسلامی و دیگران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای کاربردی با روش توصیفی - تحلیلی، عوامل اقتصادی موثر بر تحولات مسکن معیشت محور ۳۲۱ خانوار در روستاهای شهرستان زنجان را تبیین کردند. ایشان در تحلیل اطلاعات توصیفی از میانگین و

هدف عمده زیر را مد نظر قرار دارد:

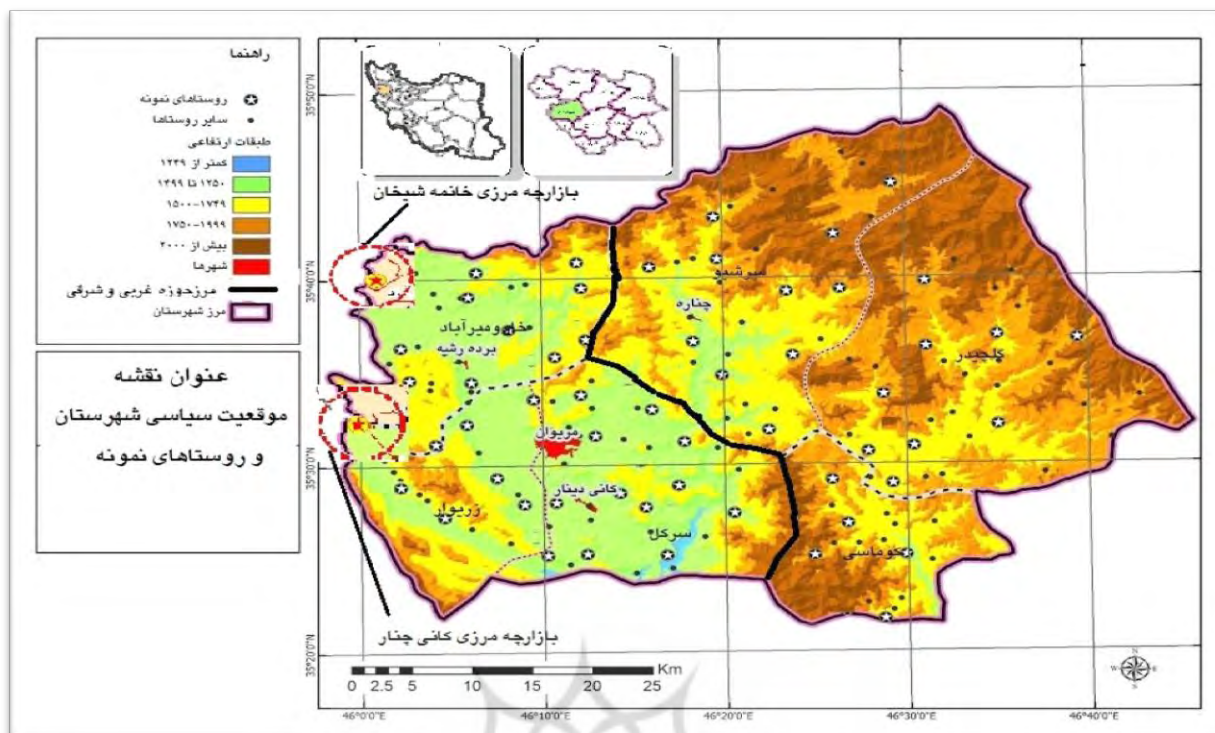
- نخست، تبیین نقش سیاست‌گذاری دولت در زمینه‌های عمران روستایی (به ویژه گسترش شبکه معابر، سیستم حمل و نقل، بهسازی مسکن روستایی) و تحولات سیاسی - اقتصادی (ایجاد امنیت و گشایش بازارچه مرزی غیر رسمی) به عنوان دو عامل اساسی در تقویت پیوندهای شهری - روستایی شهرستان مریوان،

- دوم، از آنجایی که تحولات ناشی از تقویت پیوندهای شهری - روستایی ابعاد و دامنه وسیعی دارد، صرفاً پیامدهای این پیوندها در تحولات ساختاری - کارکردی مسکن روستایی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین سؤال اساسی تحقیق آن است که سیاست‌گذاری‌های دولت به عنوان عاملی بیرونی چگونه موجب تبیین پیوندهای شهری - روستایی حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان شده و اثرات آن بر تحولات ساختاری - کارکردی مسکن روستایی تا چه حدی است.

داده‌ها و روش کار

به لحاظ روش شناسی این تحقیق از حیث هدف «توسعه‌ای - کاربردی» و از حیث ماهیت «توصیفی - تحلیلی» است. رویکرد پژوهشی تحقیق نیز متکی بر «ثبات‌گرایی» می‌باشد بر این اساس بر پایه واقعیات عینی و بیرونی گردآوری داده‌ها به دو شیوه «عملیات پیمایشی» و «اسنادی» انجام گرفت که انواع داده‌های کمی و کیفی را در بر می‌گیرد. بخش اصلی آن را داده‌های اولیه‌ای تشکیل می‌دهد که با استفاده از ابزار پرسشنامه (دو نوع روستا/ خانوار) و مصاحبه گردآوری شده‌اند. داده‌های ثانویه استخراج شده از سرشماری‌های مرکز آمار و اطلاعات اسنادی از دستگاه‌های اجرایی نیز مکمل داده‌های بخش اصلی هستند. شایان ذکر است پایایی سئوال‌ات پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و معادل ۰/۷۱۸ به دست آمد و روایی پرسشنامه نیز بوسیله استادان راهنما و مشاور و متخصصان بنیاد مسکن تأیید شد. قلمرو جغرافیایی تحقیق محدوده سیاسی شهرستان مریوان است که به مرکزیت شهر مریوان در جوار مرز عراق و حدفاصل مختصات جغرافیایی ۳۵ درجه و ۰۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی تا ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۴

درجه طول شرقی واقع شده است. مطابق سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان مریوان ۵۵۶۰۳ خانوار و ۱۹۵۲۶۳ نفر بوده است که از این میزان تعداد ۴۳۳۹۴ خانوار و ۱۵۱۱۸۸ نفر (معادل ۷۷/۴ درصد) ساکن نقاط شهری و تعداد ۱۲۲۰۹ خانوار و ۴۴۰۶۶ نفر (معادل ۲۲/۵ درصد)، ساکن نقاط روستایی بوده‌اند. اگرچه کل قلمرو شهرستان مریوان به لحاظ طبیعی سرزمین ناهمواری است، لیکن حوزه‌های شرقی و غربی آن دارای تباينات زیادی است؛ به‌گونه‌ای که ۶۷/۸ درصد روستاهای حوزه غربی در موقعیت دشتی و دره‌ای، درحالی‌که ۸۷/۲ درصد روستاهای حوزه شرقی در موقعیت کوهستانی قرار دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین نظر به اینکه تفاوت‌های محیط طبیعی به عنوان بستر فضای جغرافیایی شالوده نظام استقرار متباین سکونتگاه‌های روستایی را فراهم ساخته‌اند و نیز با توجه به مباحث مطروحه در مقدمه (در خصوص سیاست‌های متفاوت دولت) در شهرستان مورد مطالعه، قبل از آنکه جامعه آماری و روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر مشخص گردد، اینگونه تباينات که در مطالعات جغرافیایی با رویکرد تحلیل فضایی اهمیت خاصی دارند، مبنای تقسیم‌بندی شهرستان مریوان به دو حوزه غربی و شرقی قرار گرفت. بر این اساس سطح تحلیل داده‌ها «حوزه‌های روستایی» و واحد تحلیل آن «خانوار» در نظر گرفته شد. بدین ترتیب جامعه آماری تحقیق را خانوارهای ساکن در ۱۲۱ روستای بالای ۲۰ خانوار (طبق سرشماری ۱۳۹۵) شهرستان مریوان تشکیل می‌دهند. به منظور تعیین حجم نمونه، نمونه‌گیری در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول با توجه به زیاد بودن تعداد آبادی‌ها، ابتدا با استفاده از فرمول تعدیل شده کوکران (حافظنیا، ۱۳۸۹: ۱۴۴) تعداد ۵۱ آبادی به عنوان حجم نمونه برآورد و سپس با در نظر گرفتن همگنی ویژگی‌های جغرافیایی آن در قالب دو حوزه غربی و شرقی خوشه‌بندی کرده و بر حسب سهم آبادی‌های هر خوشه، تعداد ۲۷ آبادی از حوزه غربی و ۲۴ آبادی از حوزه شرقی انتخاب گردید. در مرحله دوم برای تعیین حجم خانوار نمونه از کل ۶۳۰۵ خانوارهای روستاهای نمونه، بر اساس فرمول کوکران ۳۰۷ خانوار محاسبه گردید که سهم حوزه‌های غربی و شرقی به ترتیب ۲۴۴ و ۶۳ خانوار تعیین شد. انتخاب خانوارهای نمونه نیز با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام گرفت (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (منبع: استانداری استان کردستان، ۱۳۹۵)

شرح و تفسیر نتایج

با توجه به مباحث مطروح شده در مقدمه طی دهه‌های اخیر (۱۳۷۵-۱۳۹۵) دو عامل ناشی از دخالت و سیاست‌گذاری‌های دولت، نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مریوان را برهم زده و موجبات تباینات ساختاری - کارکردی ابعاد مختلف آن را فراهم ساخته است. از این روی لازم است ابتدا چگونگی این دخالت و سیاست‌گذاری‌ها و سپس تأثیر آن بر تحولات ساختاری - کارکردی مسکن روستایی در حوزه‌های مذکور بررسی شود.

نقش سیاست‌گذاری‌های دولت در تقویت پیوندهای شهری - روستایی و تباینات فضایی شهرستان مریوان

این سیاست‌گذاری به دو صورت ذیل اعمال شده است:
 الف- نقش برنامه‌های توسعه و عمران روستایی (با تأکید بر شبکه معابر، سیستم حمل و نقل و بهسازی مسکن):
 شواهد حاکی از آن است که در دوره بعد از جنگ تحمیلی رویکرد غالب برنامه‌های عمرانی دولت، توسعه روستایی باهدف تعدیل شکاف بین دو جامعه شهری و روستایی و سرمایه‌گذاری‌های کلان در عرصه‌های روستایی بوده است

(نظری، ۱۳۸۰: ۲۱۴-۱۸۹). بی‌تردید دستیابی به چنین هدفی در گام نخست مستلزم توسعه شبکه ارتباطی و سیستم حمل‌ونقل بوده که طبیعتاً چنین اقداماتی می‌تواند تحول عظیمی را در سیستم حمل‌ونقل و روابط بین عرصه‌های روستایی و کانون‌های شهری به وجود آورد.

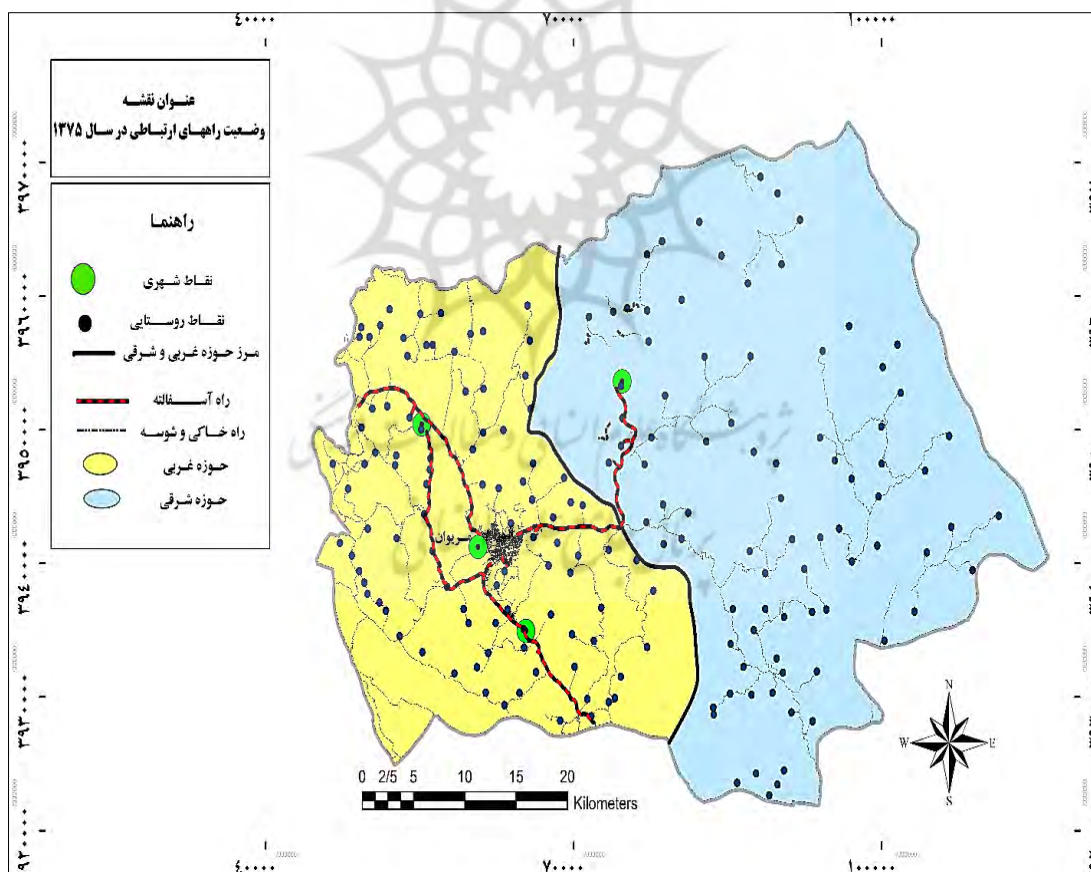
اجرای برنامه بهسازی راه‌های روستایی بنابر شرایط ناشی از جنگ در نواحی مرزی غرب کشور نسبت به سایر نقاط قدری دیرتر آغاز می‌شود. بر اساس یافته‌ها طول انواع شبکه راه‌های ارتباطی شهرستان مریوان در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۷۸۲ کیلومتر بوده است که در سال ۱۳۹۵ به ۸۹۷ کیلومتر افزایش یافته است. جدول ۱ توزیع فضایی طول و سهم انواع راه‌ها را در حوزه‌های غربی و شرقی شهرستان نشان می‌دهد. نکته مهم در اینجا توجه به کم و کیف تغییرات شبکه راه‌های آسفالت شده می‌باشد که نسبت به سایر راه‌ها نقش مهمتری در تقویت پیوند و روابط شهری - روستایی دارد. مقایسه شاخص تغییرات مربوط به راه‌های آسفالت شده در طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵، حاکی از آن است که در حوزه غربی از ۳۸/۷ درصد به ۸۶ درصد رسیده، در حالی که این شاخص در حوزه شرقی از ۴/۸ درصد به ۲۳/۸ درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب شاخص

آبادی‌های برخوردار از جاده آسفالت‌شده در حوزه غربی از ۱۰/۵ درصد رسیده است (شکل ۲ و ۳).
درصد به ۸۵/۹ درصد و در حوزه شرقی از ۱/۷ درصد به ۸/۸

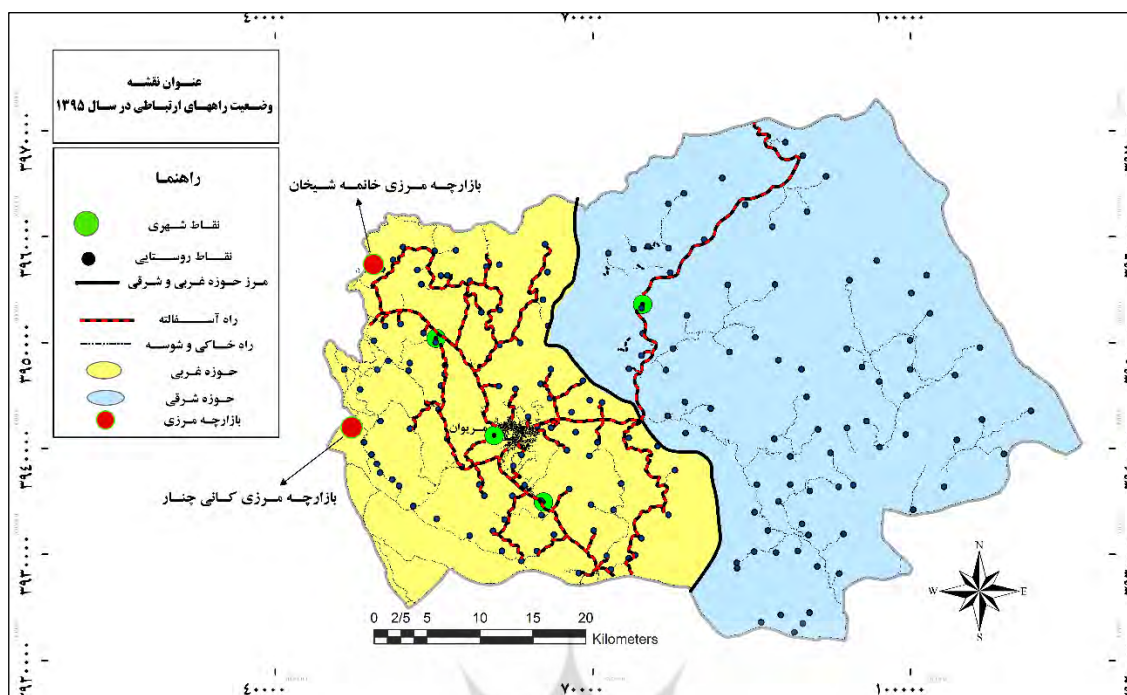
جدول ۱. مقایسه درصد تغییرات انواع شبکه معابر حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان طی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۹۵

حوزه شرقی		حوزه غربی		نوع جاده دسترسی به شهر				
۱۳۹۵		۱۳۷۵		۱۳۹۵		۱۳۷۵		شهر
درصد	طول به کیلومتر	درصد	طول به کیلومتر	درصد	طول به کیلومتر	درصد	طول به کیلومتر	
۱۳/۷	۷۰	۰	۰	۳۵/۲	۱۳۵	۲۶/۶	۹۰	آسفالت بین‌شهری
۱۰/۱	۵۲	۴/۸	۲۱	۵۰/۸	۱۹۵	۱۲/۱	۴۱	آسفالت روستایی
۱۸	۹۲	۹	۴۰	۸/۸	۳۴	۳۲/۴	۱۱۰	شوسه روستایی
۵۸/۲	۲۹۹	۸۶/۲	۳۸۲	۵/۲	۲۰	۲۸/۹	۹۸	خاکی
۱۰۰	۵۱۳	۱۰۰	۴۴۳	۱۰۰	۳۸۴	۱۰۰	۳۳۹	جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۲. وضعیت راه‌های ارتباطی ناحیه در سال ۱۳۷۵ (منبع: اداره راه و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۹۵)



شکل ۳. وضعیت راه‌های ارتباطی ناحیه در سال ۱۳۹۵ (منبع: اداره راه و شهرسازی استان کردستان، ۱۳۹۵)

به میزان تغییرات انواع وسایل نقلیه در جدول ۲ بیانگر تفاوت در میزان اثربخشی بهبود شبکه معابر روستایی در دو حوزه مورد نظر است. کاهش سهم مینی‌بوس و افزایش سهم سواری در حوزه غربی از مصادیق بارز این اثربخشی در سیستم حمل و نقل است.

طبیعتاً این تفاوت‌ها بر کم و کیف انواع وسایل نقلیه مورد استفاده نیز تأثیر خواهد گذاشت. اطلاعات به دست آمده، حاکی از آن است که تعداد وسایل نقلیه حوزه غربی جمعاً از ۴۲۵ دستگاه در سال ۱۳۷۵ با افزایشی معادل ۲۸۹۷ واحد به ۳۳۹۲ دستگاه در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در حالی که این افزایش در حوزه شرقی از ۱۱۰ دستگاه به ۷۳۵ دستگاه بوده است. نگاهی

جدول ۲. روند تغییرات انواع وسایل نقلیه در روستاهای حوزه غربی و شرقی طی سال‌های ۱۳۹۵ - ۱۳۷۵

حوزه شرقی			حوزه غربی			انواع وسایل نقلیه				
۱۳۹۵		۱۳۷۵	۱۳۹۵		۱۳۷۵	تعداد	درصد			
میزان تغییرات	درصد	تعداد	درصد	میزان تغییرات	تعداد					
+۳۸	۷/۴	۵۵	۱۵/۴	۱۷	+۱۹۴۲	۵۹/۸	۲۰۳۰	۱۷/۷	۸۸	سواری
+۱۲۰	۱۹/۷	۱۴۵	۲۲/۷	۲۵	+۷۸	۴/۸	۱۶۵	۱۷/۵	۸۷	وانت
+۲	-/۵۴	۴	۱/۸۱	۲	+۲۶	-/۹۴	۳۲	۱/۲۱	۶	کامیونت
+۶۵	۱۵/۱	۱۱۱	۴۱/۸	۴۶	-۲۰۵	۱/۶۲	۵۵	۵۲/۵	۲۶۰	مینی‌بوس
+۴۰۰	۵۷/۱	۴۲۰	۱۸/۱	۲۰	+۱۰۵۶	۳۲/۷	۱۱۱۰	۱۰/۹	۵۴	موتورسیکلت
+۶۲۵	۱۰۰	۷۳۵	۱۰۰	۱۱۰	+۲۸۹۷	۱۰۰	۳۳۹۲	۱۰۰	۴۹۵	جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

دلیل عدم دستیابی به آمار سال ۱۳۷۵ در جدول ۴، فقط تعداد مساکن ساخته شده تا سال ۱۳۹۵ انعکاس یافته است. اساساً فرآیند ساخت مسکن روستایی را در شهرستان مورد مطالعه از حیث شیوه ساخت و تأمین اعتبار می‌توان به سه دسته تقسیم

یکی دیگر از فعالیت‌های عمران روستایی مرتبط با بحث حاضر اجرای طرح بهسازی (مقاوم‌سازی) مساکن روستایی است که به شکل کندی از سال ۱۳۷۲ آغاز شد و از سال ۱۳۸۳ با اعطای وام کم بهره رشد شتابانی یافت. متأسفانه به

سرمایه شخصی و بدون اتکا به کمک‌های دولت موفق به این کار شده‌اند. در حالی که در حوزه شرقی بالغ بر ۴۷/۷ درصد نیازمند کمک‌های دولت بوده‌اند. مقایسه این شاخص‌ها نشان از تفاوت‌های بنیادین توان اقتصادی خانوارهای ساکن در دو حوزه دارد.

نمود(جدول ۳). طبق یافته‌های میدانی در حوزه غربی از کل ۲۴۴ خانوار نمونه، ۲۱۵ خانوار(۸۸/۱ درصد) و در حوزه شرقی از کل ۶۳ خانوار نمونه، ۴۴ خانوار(۶۹/۸ درصد) به بازسازی و نوسازی خانه‌های خود اقدام کرده‌اند. اما نکته درخور توجه آنکه بیش از ۹۰/۷ درصد آن‌ها در حوزه غربی با استفاده از

جدول ۳. مقایسه نقش سیاست‌های دولت و بخش خصوصی در بهسازی(مقاوم سازی) مسکن روستایی دو حوزه(۱۳۹۵)

ردیف	شیوه ساخت و تأمین اعتبار مسکن	حوزه غربی		حوزه شرقی	
		تعداد خانوار	درصد	تعداد خانوار	درصد
۱	ساخت با سرمایه شخصی	۱۹۵	۹۰/۷	۲۳	۵۲/۳
۲	ساخت با دریافت وام بهسازی و نوسازی مسکن	۱۳	۶/۱	۲	۴/۵
۳	ساخت توسط نهادهای دولتی(کمیتة امداد)	۷	۳/۲	۱۹	۴۳/۲
	جمع	۲۱۵	۱۰۰	۴۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

شهرستان مریوان سال ۱۳۹۵). مکانیزم فعالیت بازارچه‌ها به گونه‌ای است که کولبران عموماً درازای حمل کالا از سرمایه‌گذاران شهری اجرت می‌گیرند. با توجه به سختی کار و شرایط فیزیولوژیکی کولبران که می‌باید در هر روز قادر به جابه‌جایی ۲۵۰ کیلوگرم باشند، توان آن‌ها محدود بوده و به‌طور متوسط در هفته دو روز انجام می‌گیرد. از اوایل ایجاد بازارچه‌ها تا سال ۱۳۹۳، اجرت پرداختی هر روز ۷۰۰۰۰ تومان بود، که به ازای هر دفترچه معادل ۱۰ درصد آن (۷۰۰۰ تومان) می‌بایست به خزانه دولت واریز می‌شد. اما از سال ۱۳۹۳ به بعد اجرت پرداختی کولبرها بر عهده صاحب بارها (عموماً شهری) گذاشته شد؛ و کولبران فقط هزینه رفت و برگشت به بازارچه را پرداخت می‌کردند که به‌طور متوسط ۵۰۰۰ تومان بود. متعاقب آن به بعد از سال ۱۳۹۳ اجرت پرداختی هر روز به ۱۰۰۰۰۰ تومان افزایش یافت. شایان ذکر است اجناس واردشده به بازارچه‌ها از طریق وانت‌بارهای روستایی به شهر مریوان انتقال داده شده و از آنجا علاوه بر تأمین مصرف داخلی این شهر و روستاهای اطراف بخش عمده کالاها به سایر استان‌های کشور صادر می‌شود. نکته درخور توجه اینکه یکی از انگیزه‌های اصلی دولت در ایجاد این بازارچه‌ها حفظ امنیت منطقه در کنار بهبود رشد اقتصادی بوده است. لیکن روستاییان به دلیل سودآوری بیشتر انتقال مستقیم کالا از آن سوی مرز گاهی بر مبنای مکانیزم فوق‌الذکر عمل نمی‌کنند که گاهی منجر به از دست دادن جانسان می‌شود.

یافته‌های میدانی حاکی از آن هستند که ایجاد بازارچه‌های

نقش ایجاد بازارچه‌های مرزی غیر رسمی در تقویت بنیان‌های اقتصادی و تغییر شیوه معیشت روستاییان

یکی از عوامل اساسی و مداخله‌گر در تحولات ساختار و به تبع کارکرد روستاهای مورد مطالعه ناحیه «توسعه تجارت مرزی غیررسمی(کولبری)» است. زیرا این پدیده نوین طی سال‌های پس از انقلاب و متعاقب بروز رخدادهای سیاسی در مقاطع زمانی مختلف از جمله عدم وجود امنیت (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷)، ثبات امنیت (۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲)، اشغال عراق (۱۳۸۲) و رونق اقتصادی (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸) تکوین می‌یابد. با مسدود شدن مرز در سال ۱۳۸۸، گسترش مبادله کالاهای قاچاق و عدم کنترل آن سبب شد تا در سال ۱۳۸۹ دولت به ایجاد و بازگشایی بازارچه‌های غیررسمی مرزی(معابر کولبری) تصمیم بگیرد. بر این اساس دو بازارچه غیررسمی مبتنی بر تجارت کولبری «کانی چنار» و «خانمه شیخان» در حوزه غربی بازگشایی شدند. سازوکار اجرایی بازارچه‌های مرزی به صورتی بود که فقط روستاهای پیرامونی بازارچه‌ها تا فاصله ۲۰ کیلومتری مشمول طرح بودند. در اوایل این بازگشایی تعداد روستاهای مشمول فعالیت مرزی بازارچه‌های مذکور به ترتیب تعداد ۲۵ و ۳۸ روستا بوده است که جمعاً ۴۱ درصد روستاهای شهرستان را شامل می‌شود. فعالیت مرزی بازارچه‌ها از سوی دولت و با نظارت هنگ مرزی شهرستان بر اساس روزهای مشخص شده مدیریت می‌شود. به نحوی که برای هر فرد متأهل جمعاً ۷۶۰۹ فقره دفترچه فعالیت کولبری (بازارچه کانی چنار ۴۲۹۳ و خانمه شیخان ۳۳۱۶) صادر شده است (اطلاعات آرشیوی هنگ مرزی

کاهش حیاط خانه‌ها با فضای چندکارکردی در گذشته با میزان ۷۵/۶ در حوزه غربی و ۵/۰۸ درصد در حوزه شرقی، کاهش انبارها با ۵۹/۴ درصد در حوزه غربی و ۵/۳ درصد در حوزه شرقی، کاهش ۷۰ درصدی طویله و کاهدان در حوزه غربی و ۱۱/۲ درصد در حوزه شرقی و همچنین افزایش عناصر معیشتی منطبق با مسکن جدید از جمله ۶۱۶/۱ درصد پارکینگ، مغازه با ۳۰۸/۳ درصد، کارگاه با ۲۰۰ درصد افزایش در حوزه غربی و در حوزه شرقی پارکینگ با ۲۶۰ درصد، مغازه با ۱۶۶/۶ درصد و کارگاه با ۲۲۵ درصد، تغییرات نقش مسکن را در دو حوزه مورد مطالعه نمایان کرده است.

مرزی غیررسمی در حوزه غربی به تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و شیوه معیشت و به تبع آن ساختار و کارکرد مسکن جامعه روستایی در آن شده است، به گونه‌ای که با ایجاد این بازارچه‌ها معادل ۳۵/۵ درصد شاغلین آن‌ها جذب فعالیت‌های ناشی از آن شده که به نوبه خود بر کاهش سهم شاغلین بخش کشاورزی آن از ۹۵/۳ درصد به ۴۹/۳ درصد نقش زیادی داشته است. بنابراین تغییر در اقتصاد غالب روستاها علی‌الخصوص در حوزه غربی متأثر از گسترش روابط روستایی - شهری و ایجاد بازارچه‌های مرزی غیررسمی به عنوان عامل مداخله‌گر، موجب حذف یا کاهش عناصر معیشتی مسکن روستایی شده است.

جدول ۴. مقایسه تغییرات ساختار شغلی روستاییان در حوزه غربی و شرقی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

گروه‌های شغلی	حوزه غربی				حوزه شرقی			
	۱۳۷۵		۱۳۹۵		۱۳۷۵		۱۳۹۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کشاورزی	۱۴۳۲۷	۹۵/۳	۱۱۸۳۴	۴۹/۳	۳۷۱۴	۸۲/۴	۶۰۱۶	۸۲/۴
صنعت و خدمات	۷۰۵	۴/۶	۳۶۲۶	۱۵/۲	۵۴۱	۱۷/۶	۹۳۱	۱۳/۳
فعالیت مرزی و کولبری	۰	۰	۸۵۲۲	۳۵/۵	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۵۰۳۲	۱۰۰	۲۳۹۸۲	۱۰۰	۴۲۵۵	۱۰۰	۶۹۴۷	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

اقتصادی گویای اثربخشی مضاعف فعالیت مرزی (کولبری) در حوزه غربی است. به گونه‌ای که بالغ بر ۶۲ درصد درآمد ناخالص خانوارها از این محل کسب می‌شود.

این تغییرات صرفاً به سهم انواع مشاغل معطوف نبوده بلکه بر میزان درآمد خانوارها نیز تأثیر داشته است. مقایسه شاخص میانگین درآمد خانوارهای نمونه در بخش‌های سه‌گانه

جدول ۵. مقایسه وضعیت درآمد خانوارهای نمونه حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان، ۱۳۹۵ (واحد میلیون ریال)

گروه‌های شغلی	حوزه غربی			حوزه شرقی			تفاوت میانگین درآمد دو ناحیه
	تعداد خانوار	درصد خانوار	میانگین درآمد ناخالص سالانه	تعداد خانوار	درصد خانوار	میانگین درآمد ناخالص سالانه	
کشاورزی	۹۴	۳۸/۵	۶۱۷/۹	۵۶	۳۶/۷	۴۳۹/۱	۴۰/۷
صنعت و خدمات	۳۰	۱۲/۲	۶۸/۶	۷	۱/۳	۳۲/۲	۱/۳
فعالیت مرزی (کولبری)	۱۲۰	۴۹/۱	۸۱۸/۱	-	-	-	-
جمع	۲۴۴	۱۰۰	۶۴۸/۸	۶۳	۱۰۰	۳۹۳/۹	۶۴/۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

تعمیر و ساخت خانه خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند. لیکن این شاخص در حوزه شرقی معادل ۳۸ درصد است. مقایسه شاخص میانگین سرمایه‌گذاری آن‌ها نیز مؤید برتری سهم بخش مسکن نسبت به سایر فعالیت‌های تولیدی در حوزه غربی است.

نکته درخور توجه در این پژوهش، سنجش اثربخشی نحوه سرمایه‌گذاری درآمدهای حاصل خانوارها در فعالیت‌های مختلف است. یافته‌ها نشان دادند که ۶۲/۲ درصد ساکنان حوزه غربی اندوخته‌های خود را در زمینه خرید زمین مسکونی و

جدول ۶. زمینه و میزان سرمایه‌گذاری خانوارهای نمونه حوزه غربی و شرقی در روستای محل زندگی تا سال ۱۳۹۵

حوزه شرقی				حوزه غربی				زمینه سرمایه‌گذاری
درصد	میانگین سرمایه‌گذاری	درصد	تعداد خانوار	درصد	میانگین سرمایه‌گذاری	درصد	تعداد خانوار	
۱۷/۴	۱۷۰/۲	۳۱/۷	۲۰	۵۹/۹	۳۶۹/۱	۴۹/۵	۱۲۱	تعمیر و نوسازی مسکن
۸/۱	۱۴۵/۲	۱۷/۴	۱۱	۳۱/۱	۲۸۷	۳۳/۱	۸۱	خرید زمین زراعی و باغی
۱/۳	۶۵/۳	۶/۳	۴	۷/۹	۱۹۰/۳	۱۲/۷	۳۱	خرید زمین و واحد مسکونی
۷۳/۰۹	۵۱۰/۶	۴۴/۴	۲۸	۰/۹	۶۴/۹	۴/۵	۱۱	فعالیت‌های دامداری
۱۰۰	۳۱۰/۴	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۳۰۵/۴	۱۰۰	۳۴۴	جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

ایجاد می‌کند که به‌مثابه سیستمی پویا عمل کرده و هویت و ویژگی خاصی به آن می‌بخشد (نظری و پک، ۱۳۹۱: ۲۶). در ادامه چگونگی این تغییرات به تفکیک الگوی ساختار و کارکرد مسکن روستایی در حوزه غربی و شرقی تحلیل و تبیین می‌شود:

الف- تغییرات ساختار کالبدی (الگوی ساخت و فرم)

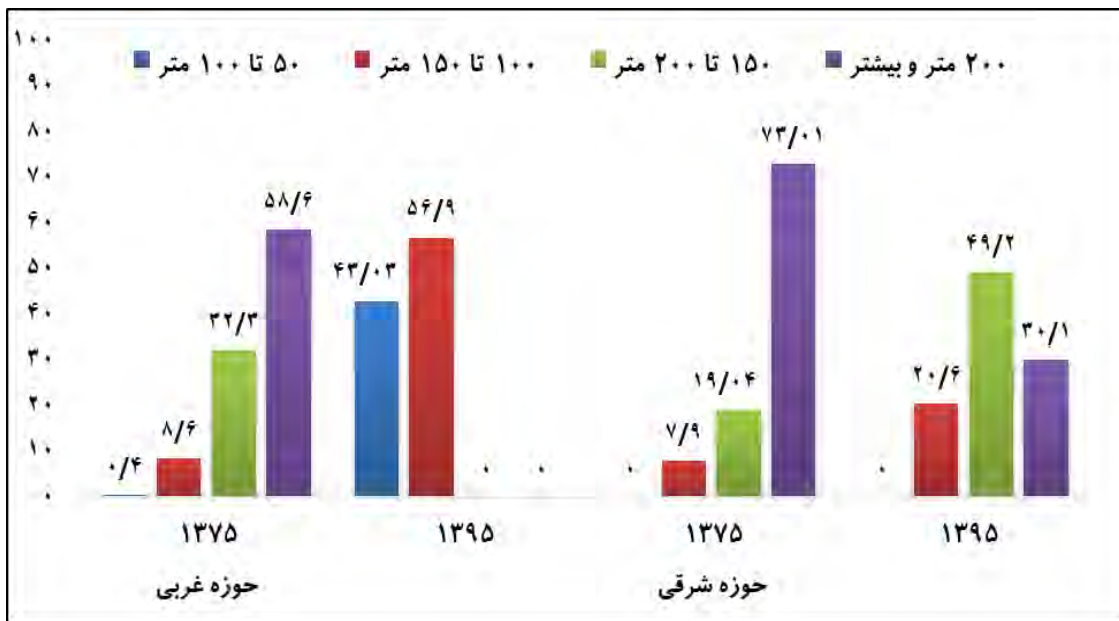
مسکن: برای سنجش تغییرات الگوی ساخت، معیارهایی مانند مساحت زیربنا، نوع مصالح و عمر و کیفیت مسکن در نظر گرفته شدند. یافته‌های میدانی نشان می‌دهند که مساحت زیربنای ساختمان‌ها در قبل از گسترش پیوندهای شهری - روستایی و ایجاد بازارچه‌های مرزی (در سال ۱۳۷۵) در دو حوزه غربی و شرقی الگوی نسبتاً مشابهی داشته‌اند، به گونه‌ای که در مجموع مساحت ۱۵۰ متر مربع و بیشتر در حوزه غربی با ۹۰/۹ درصد و در حوزه شرقی با ۹۲/۰۵ درصد بیشترین مساحت زیربنای ساختمان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. اما در سال‌های اخیر (۱۳۹۵) در حوزه غربی دستخوش تغییرات زیادی قرار گرفته و مساحت آن‌ها کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که ۱۰۰ درصد خانه‌های این حوزه مساحتی بین ۵۰ تا ۱۵۰ مترمربع دارند، در حالی که در حوزه شرقی بالغ بر ۷۹/۳ درصد بنا بیش از ۱۵۰ متر مساحت دارند.

از این رو، با توجه به غلبه سرمایه‌گذاری بخش مسکن در حوزه غربی که خود ناشی از سیاست‌گذاری‌های متفاوت دولت در حوزه‌های غربی و شرقی شهرستان است، لازم است پیامدهای آن در تحولات ساختاری - کارکردی مسکن دو حوزه مورد بررسی قرار گیرد.

اثرات تقویت پیوندهای شهری - روستایی در تغییر

ساختاری - کارکردی مسکن روستایی

دخالتهای یک عامل بیرونی در مناسبات یک سیستم سکونتگاهی ممکن است ابعاد مختلف آن را تحت تأثیر قرار دهد. منتها متناسب با شرایط به وجود آمده و نیازهای جامعه مورد نظر، درجه این اثربخشی در برخی بخش‌ها مشهودتر می‌باشد. همانگونه که در بالا ذکر شد، تحولات معیشتی جامعه روستایی حوزه غربی و نیز سرمایه‌گذاری بیشتر آن‌ها در بخش مسکن مؤید این ادعاست. بی‌تردید این تحولات ریشه در تقویت پیوندهای شهری - روستایی خواهد داشت که بنا به تفاوت ماهوی کارکردهای سکونتگاهی شهری و روستایی طبیعی است، هم ساخت و هم کارکرد مسکن روستایی را تحت‌الشعاع قرار دهد. زیرا بر پایه نگرش سیستمی هم‌سنجی ساختی - کارکردی هر یک از عناصر و اجزای مسکن چنان پیوندی



شکل ۴. مقایسه مساحت زیربنای ساختمان‌های مسکونی خانوارهای نمونه حوزه غربی و شرقی سال ۱۳۷۵-۱۳۹۵

بادوام‌تری که عموماً در شهرها تولید می‌شوند در حوزه غربی طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ بالغ بر ۸۰/۳ درصد افزایش داشته است. لیکن این شاخص در حوزه شرقی فقط ۹/۶ درصد است.

ارتباط با شهر نقش زیادی در تغییر نوع مصالح ساختمانی بناهای روستایی دارد. تأثیر این امر را در مقایسه اطلاعات جدول ۷ می‌توان به خوبی دریافت. زیرا استفاده از مصالح

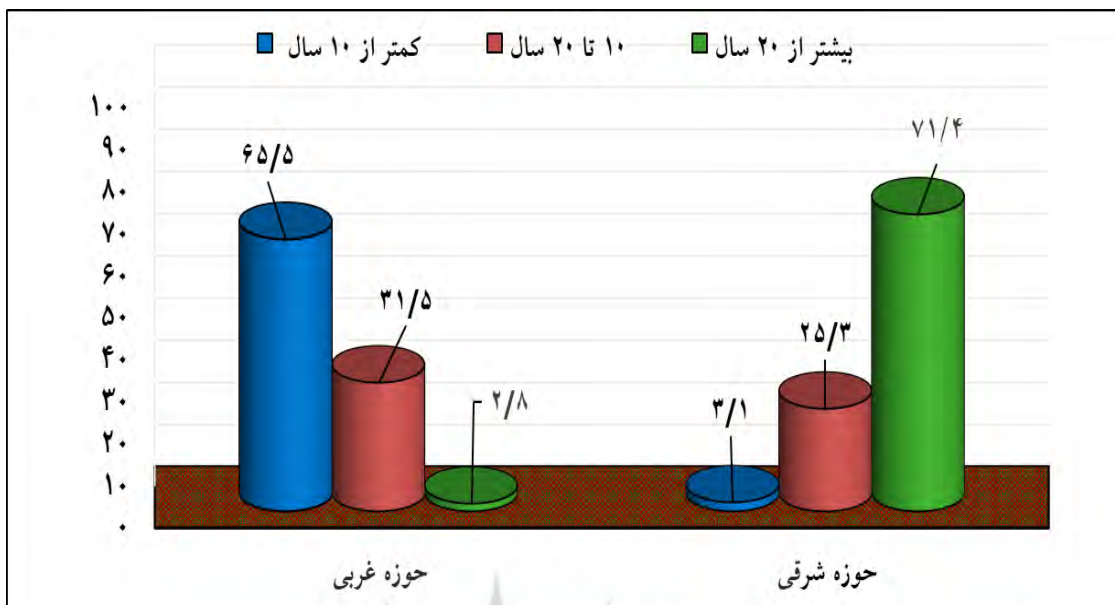
جدول ۷. مقایسه مصالح ساختمانی کاربردی در خانوارهای نمونه حوزه غربی و شرقی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

درصد تغییرات	حوزه شرقی				درصد تغییرات	حوزه غربی				نوع مصالح	
	۱۳۹۵		۱۳۷۵			۱۳۹۵		۱۳۷۵			
	درصد	تعداد	درصد	تعداد		درصد	تعداد	درصد	تعداد		
+۹/۶	۱۱/۱	۷	۱/۵	۱	+۸۰/۳	۸۶/۸	۲۱۲	۶/۵	۱۶	اسکلت فلزی و بتنی	بادوام
+۱۴/۲	۲۵/۳	۱۶	۱۱/۱	۷	+۱۱	۹/۰۱	۲۲	۲۰	۴۹	آجر و چوب و سنگ و بلوک	نیمه بادوام
-۲۳/۹	۶۳/۴	۴۰	۸۷/۳	۵۵	-۶۹/۲	۴/۰۹	۱۰	۷۳/۳	۱۷۹	چوب، سنگ یا خشت و چوب	کم‌دوام
	۱۰۰	۶۳	۱۰۰	۶۳		۱۰۰	۲۴۴	۱۰۰	۲۴۴	جمع واحدهای مسکونی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

درصد خانه‌های حوزه غربی طی دو دهه اخیر ساخته شده‌اند، و قدمتی کمتر از ۲۰ سال دارند، اما این شاخص در حوزه شرقی تنها ۲۸/۲ درصد و معادل ۷۱/۴ درصد خانه‌ها بافت قدیم و قدمت آن‌ها بیشتر از ۲۰ سال است.

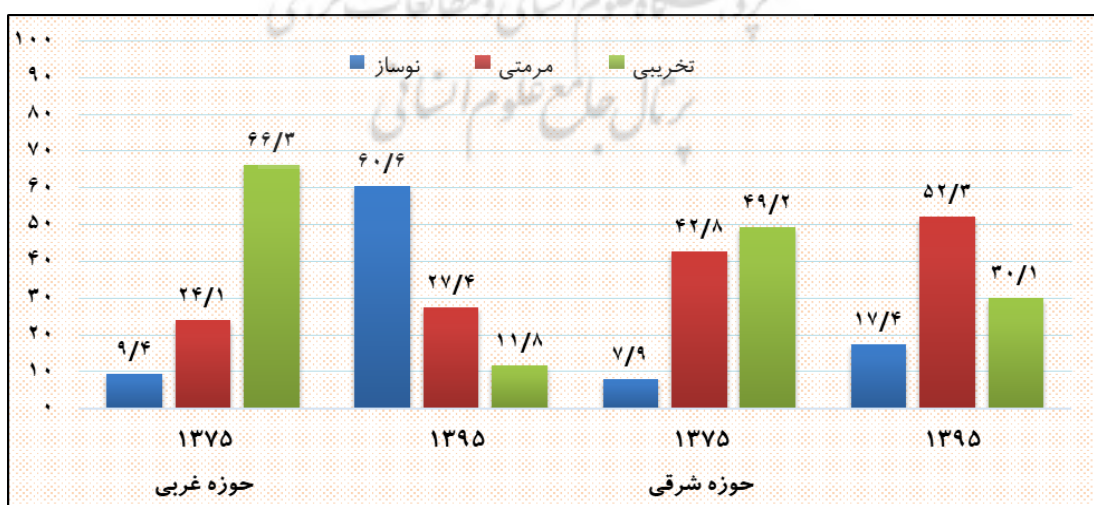
عمر بنا نیز از دیگر معیارهای ساختاری الگوی مسکن است که می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌های دولت در زمینه بهسازی مسکن و یا تحولات اقتصادی به ویژه افزایش درآمد روستاییان قرار گیرد. مقایسه این شاخص نیز نشان می‌دهد که معادل ۹۷



شکل ۵. مقایسه قدمت ساختمان‌های مسکونی خانوارهای نمونه حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان، سال ۱۳۹۵

بر این اساس مقایسه کیفیت بناها که معمولاً از حیث قابلیت استفاده در سه دسته نوساز، مرمتی و تخریبی طبقه‌بندی می‌شوند، بیانگر وضعیت بهتر خانه‌های حوزه غربی است، زیرا بالغ بر ۶۰/۶ درصد آن‌ها جزو خانه‌های نوساز هستند که در مقایسه با سال ۱۳۷۵ با ۹/۴ درصد، تغییرات این شاخص ۵۱/۲+ درصد بوده است. در مقابل خانه‌های تخریبی با ۶۶/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۹۵ (با تغییرات

۵۴/۵-) کاهش یافته است. در حالی که خانه‌های نوساز در حوزه شرقی تنها ۱۷/۴ درصد است. اینکه ۵۲/۳ درصد خانه‌های حوزه شرقی (با تغییرات ۹/۵+ درصد) جزو مسکن مرمتی و ۳۰/۱ درصد آن‌ها (با تغییرات ۱۹/۱- درصد) جزو خانه‌های تخریبی است، موید ضعف ساختارهای اقتصادی ساکنان این حوزه است.



شکل ۶. تغییرات کیفیت واحدهای مسکونی خانوارهای نمونه حوزه غربی و شرقی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵

زیاد این شاخص دارد و میزان آن در حوزه غربی از ۵/۸ به ۳/۶ نفر و در حوزه شرقی از ۵/۶ به ۳/۶ نفر تقلیل یافته است. طبیعتاً تغییر این شاخص بر کم و کیف عناصر زیستی مورد استفاده خانوارها تأثیر خواهد گذاشت. جدول ۸ بیانگر میزان این تأثیر در اجزای مختلف عناصر زیستی است. از جمله اثربخشی فرهنگ شهری در خانه‌های روستایی را می‌توان در پیدایش هال و پذیرایی، آشپزخانه‌های باز(آین) و انتقال حمام و سرویس‌های بهداشتی که بیشتر در اطراف حیاطها بودند به داخل ساختمان اصلی به وضوح مشاهده کرد. همچنین حذف یا کاهش ایوان به عنوان عنصری چند کارکردی و بالعکس افزایش بالکن را که خاص خانه‌های دو طبقه است می‌توان از پیامدهای مهم گسترش روابط شهری - روستایی به شمار آورد.

ب- تغییرات الگوی کارکردی مسکن: تقویت پیوندهای شهری - روستایی و بنیان‌های اقتصادی حاصل از بازارچه‌های مرزی نه تنها ساختار کالبدی بلکه کارکردهای مسکن را نیز دستخوش تغییر قرار داده است. این تغییرات در حوزه غربی به مراتب بیش از حوزه شرقی ناحیه است. تغییرات کارکردشناسی مسکن را می‌توان در قالب «عناصر زیستی» و «عناصر معیشتی» دسته‌بندی کرد.

الف- عناصر زیستی: این عناصر شامل تعداد اتاق‌های نشیمن، خواب، هال و پذیرایی، آشپزخانه، حمام، سرویس بهداشتی، ایوان و بالکن هستند. تبدیل خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای از پیامدهای مهم گسترش روابط شهری - روستایی است که در سال‌های اخیر در کل کشور و در ناحیه مورد مطالعه رواج یافته است. مقایسه تغییرات ابعاد خانوار طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ در شهرستان مریوان نشان از تغییرات

جدول ۸. مقایسه تغییرات عناصر زیستی مسکن روستایی خانوارهای نمونه مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵

عناصر زیستی	حوزه غربی		حوزه شرقی		مقدار تغییرات
	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵	
تعداد اتاق	۶۸۰	۴۸۸	۲۰۹	۱۸۲	-۲۸/۲
هال و پذیرایی	۸۵	۲۳۳	۷	۳۱	+۱۷۴/۱
آشپزخانه باز(آین)	۱۵	۲۵۳	۳	۳۳	+۱۵۸۶/۶
توالی در داخل خانه	۶۵	۲۵۶	۱۰	۳۳	+۲۹۳/۸
حمام در داخل خانه	۵۱	۲۴۹	۸	۲۹	+۳۸۸/۲
ایوان	۲۳۸	۶۲	۶۴	۴۹	-۴/۱
بالکن	۵۳	۱۹۰	۱	۱۲	+۲۵۸/۵
تعداد واحد مسکونی	۲۴۴	۲۴۴	۶۳	۶۳	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

تولیدی و مغازه از مصادیق بارز اثربخشی تقویت پیوندهای شهری - روستایی در تحولات کارکردی مسکن روستایی به حساب می‌آید.

ب- عناصر معیشتی: در بخش عناصر معیشتی نیز کاهش تعداد مساحت انبارها، باغچه، آغل، طویله و تنور در مقابل افزایش تعداد و مساحت عناصری مانند پارکینگ، کارگاه

جدول ۹. مقایسه تغییرات عناصر معیشتی مسکن روستایی خانوارهای نمونه مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵

عناصر معیشتی	حوزه غربی		حوزه شرقی		میزان تغییرات
	۱۳۷۵	۱۳۹۵	۱۳۷۵	۱۳۹۵	
حیاط	۲۳۰	۵۶	۵۹	۵۶	-۵/۰۸
انبارها	۴۸۰	۱۹۵	۵۶	۵۳	-۵/۳
باغچه	۲۲۶	۵۰	۴۱	۲۲	-۴۶/۳
پارکینگ	۳۱	۲۲۲	۵	۱۸	+۲۶۰

آغل	۲۸۹۰	۹۷۰	-۶۶/۴	۱۲۶۳	۹۶۰	-۲۴
طولیه و کاهدان	۱۰۰۰	۳۰۰	-۷۰	۳۲۰	۲۸۴	-۱۱/۲۵
تنور	۱۴۵	۳۱	-۷۸/۶	۴۹	۴۱	-۱۶/۳
مغازه	۱۲	۴۹	+۳۰۸/۳	۳	۸	+۱۶۶/۶
کارگاه	۲۱	۶۳	+۲۰۰	۴	۱۳	+۲۲۵
تعداد واحد مسکونی	۲۴۴	۲۴۴		۶۳	۶۳	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

نتایج، میانگین و انحراف معیار عناصر مذکور در حوزه غربی (میانگین ۳/۷۲ و انحراف معیار ۰/۹۶۹۴) و در حوزه شرقی (میانگین ۲/۴۳ و انحراف معیار ۰/۹۰۲۸) است. بنابراین می‌توان گفت، میانگین عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن در حوزه غربی بیشتر از حوزه شرقی است. برای پی‌بردن به معناداری میانگین از لحاظ آماری و تفاوت پاسخ در دو حوزه غربی و شرقی، از آزمون تی مستقل (T-test) استفاده شده است.

در این بخش به منظور بررسی و مقایسه اثربخشی مناسبات و پیوندهای شهری-روستایی و گشایش بازارچه‌های مرزی بر تغییرات ساختاری-کارکردی مسکن روستاهای ناحیه مورد مطالعه از دیدگاه سرپرستان خانوار، از آزمون تی (T-test) برای دو گروه مستقل (حوزه غربی و شرقی) استفاده شده است.

در جدول ۱۰، تغییرات عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن از دیدگاه افراد پاسخگو مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس

جدول ۱۰. آماره‌های توصیفی تغییرات عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن در دو حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان

مؤلفه/مقادیر	حوزه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
تغییرات مساحت زیربنای ساختمان	غربی	۲۴۴	۱/۵۶۹	۰/۹۵۹	۰/۰۶۱
	شرقی	۶۳	۴/۴۴۴	۰/۸۹۴	۰/۱۱۲
تغییرات مصالح ساختمانی	غربی	۲۴۴	۴/۶۹۶	۰/۷۰۱	۰/۰۴۴
	شرقی	۶۳	۳/۲۸۵	۱/۲۴۹	۰/۱۵۷
تغییرات عمر بنا	غربی	۲۴۴	۴/۵۲۸	۰/۹۵۷	۰/۰۶۱
	شرقی	۶۳	۱/۶۹۸	۱/۰۱۰	۰/۱۲۷
تغییرات کیفیت بنا	غربی	۲۴۴	۴/۳۱۵	۱/۰۸۹	۰/۰۶۹
	شرقی	۶۳	۱/۶۳۴	۰/۹۵۵	۰/۱۲۰
تغییرات الگوی ساخت و فرم مسکن	غربی	۲۴۴	۳/۷۲۶۴	۰/۹۶۹۴	۰/۱۹۳۲
	شرقی	۶۳	۲/۴۳۴۴	۰/۹۰۲۸	۰/۱۱۳۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

در جدول ۱۱، میانگین عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن از دیدگاه پاسخ‌دهندگان مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که تغییرات عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن در ابعاد (مساحت زیربنا، مصالح ساختمانی، عمر بنا و کیفیت بنا) در حوزه غربی در مقایسه با حوزه شرقی از لحاظ آماری به طور معناداری بیشتر بوده است. چون مقدار Sig به دست آمده،

کوچکتر از ۰/۰۵ است ($Sig < 0.05$) بین دو حوزه غربی و شرقی در تغییرات عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن تفاوت معنی‌دار وجود دارد. از آنجا که حد بالا و پایین سطح ۹۵ درصد اطمینان مثبت است (کران پایین ۵/۳۱) تا کران بالا (۷/۶۱)، فرض صفر مبنی بر برابری میانگین در دو حوزه غربی و شرقی مورد مطالعه رد می‌شود.

جدول ۱۱. نتایج آزمون T برای مقایسه میانگین تغییرات عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن روستاهای مورد مطالعه

مؤلفه / مقادیر	T	df	Sig.	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت انحراف معیار	سطح اطمینان ۹۵٪	
						حد پایین	حد بالا
تغییرات مساحت زیربنای ساختمان	۲۱/۴۸	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۸۷۴	۰/۱۳۳	۲/۶۱	۳/۱۳
تغییرات مصالح ساختمانی	۱۱/۸۵۳	۳۰۵	۰/۰۰۰	۱/۴۱۱	۰/۱۱۹	۱/۱۷	۱/۶۴
تغییرات عمر بنا	۲۰/۶۷۹	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۸۳۰	۰/۱۳۶	۲/۵۶	۳/۰۹
تغییرات کیفیت بنا	۱۷/۸۲۷	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۶۸۰	۰/۱۵۰	۲/۳۸	۲/۹۷
تغییرات الگوی ساخت و فرم مسکن	۱۱/۰۵۷	۳۰۵	۰/۰۰۰*	۶/۴۶۰	۰/۵۸۴	۵/۳۱	۷/۶۱

Sig.(2.tailed) < ۰/۰۵ *

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

می‌توان گفت، میانگین عناصر الگوی عناصر زیستی مسکن در حوزه غربی بیشتر از حوزه شرقی است. برای پی بردن به معناداری میانگین از لحاظ آماری و تفاوت پاسخ در دو حوزه غربی و شرقی، از آزمون تی مستقل (T-test) استفاده شده است.

در جدول ۱۲، تغییرات الگوی کارکردی (عناصر زیستی) مسکن از دیدگاه افراد پاسخگو مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج، میانگین و انحراف معیار عناصر مذکور در حوزه غربی (میانگین ۴/۵۱ و انحراف معیار ۰/۷۹۳۶) و در حوزه شرقی (میانگین ۲/۰۱ و انحراف معیار ۱/۰۷۳۱) است. بنابراین

جدول ۱۲. آماره‌های توصیفی تغییرات الگوی کارکردی مسکن (عناصر زیستی) دو حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان

مؤلفه / مقادیر	حوزه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
تغییرات تعداد اتاق	غربی	۲۴۴	۴/۳۴۴	۰/۹۴۵	۰/۰۶۰
	شرقی	۶۳	۱/۶۰۳	۰/۸۷۱	۰/۱۰۹
تغییرات هال و پذیرایی	غربی	۲۴۴	۴/۴۲۸	۰/۹۴۵	۰/۱۱۹
	شرقی	۶۳	۱/۴۲۶	۰/۸۰۵	۰/۰۵۱
ساخت آشپزخانه این (Open)	غربی	۲۴۴	۴/۸۸۹	۰/۴۲۵	۰/۰۲۷
	شرقی	۶۳	۳/۳۲۳	۱/۴۱۴	۰/۱۷۸
انتقال توالیت به داخل ساختمان	غربی	۲۴۴	۴/۷۷۸	۰/۵۴۴	۰/۰۳۴
	شرقی	۶۳	۱/۹۸۴	۱/۱۷۰	۰/۱۴۷
انتقال حمام به داخل ساختمان	غربی	۲۴۴	۴/۷۷۴	۰/۶۶۲	۰/۰۴۲
	شرقی	۶۳	۱/۹۶۸	۱/۱۲۱	۰/۱۴۱
احداث بالکن به سبک شهری	غربی	۲۴۴	۳/۸۶۴	۱/۲۴۱	۰/۰۷۹
	شرقی	۶۳	۱/۷۶۱	۱/۰۵۸	۰/۱۳۳
تغییرات عناصر زیستی	غربی	۲۴۴	۴/۵۱۲۸	۰/۷۹۳۶	۰/۰۶۰۱
	شرقی	۶۳	۲/۰۱۲۵	۱/۰۷۳۱	۰/۱۲۶۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

آماره‌ای به طور معناداری بیشتر بوده است. چون مقدار Sig به دست آمده، کوچکتر از ۰/۰۵ است (Sig < ۰/۰۵) بین دو حوزه غربی و شرقی در تغییرات عناصر الگوی کارکردی (عناصر زیستی) مسکن تفاوت معنی‌دار وجود دارد. از آنجا که حد بالا

در جدول ۱۳، میانگین عناصر الگوی کارکردی (عناصر زیستی) مسکن از دیدگاه پاسخ‌دهندگان مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که تغییرات عناصر زیستی مسکن در حوزه غربی در مقایسه با حوزه شرقی از لحاظ

و پایین سطح ۹۵ درصد اطمینان مثبت است (کران پایین (۷/۷۸) تا کران بالا (۱۰/۲۱))، فرض صفر مبنی بر برابری میانگین در دو حوزه غربی و شرقی مورد مطالعه رد می‌شود.

جدول ۱۳. نتایج آزمون تی برای مقایسه میانگین عناصر زیستی دو حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان

مؤلفه / مقادیر	T	df	Sig.	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار تفاوت‌ها	سطح اطمینان ۹۵٪	
						حد بالا	حد پایین
تغییرات تعداد اتاق	۲۰/۸۴	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۷۴۱	۰/۱۳۱	۲/۴۸	۲/۹۹
تغییرات هال و پذیرایی	۲۵/۴۱۶	۳۰۵	۰/۰۰۰	۳/۰۲	۰/۱۱۸	-۳/۲۳	-۲/۷۶
ساخت آشپزخانه اپن (Open)	۱۴/۸۳۵	۳۰۵	۰/۰۰۰	۱/۵۵۶	۰/۱۰۴	۱/۳۴	۱/۷۶
انتقال توالت به داخل ساختمان	۲۷/۵۵۹	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۷۹۴	۰/۱۰۱	۲/۵۹	۲/۹۹
انتقال حمام به داخل ساختمان	۲۵/۵۲۹	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۸۰۶	۰/۱۰۹	۲/۵۹	۳/۰۲
احداث بالکن به سبک شهری	۱۲/۳۳۳	۳۰۵	۰/۰۰۰	۲/۱۰۲	۰/۱۷۰	۱/۷۶	۲/۴۳
تغییرات کل عناصر زیستی	۱۴/۵۵۹	۳۰۵	۰/۰۰۰*	۸/۹۹۸	۰/۶۱۸	۷/۷۸	۱۰/۲۱

Sig.(2.tailed) < ۰/۰۵*

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

می‌توان گفت، میانگین عناصر معیشتی مسکن در حوزه غربی بیشتر از حوزه شرقی است. برای پی بردن به معنی-داری میانگین از لحاظ آماری و تفاوت پاسخ در دو حوزه غربی و شرقی، از آزمون تی مستقل (T-test) استفاده شده است.

در جدول ۱۴، تغییرات الگوی کارکردی (عناصر معیشتی) مسکن از دیدگاه افراد پاسخگو مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج، میانگین و انحراف معیار عناصر مذکور در حوزه غربی (میانگین ۳/۸۲ و انحراف معیار ۱/۰۸۴) و در حوزه شرقی (میانگین ۱/۲۶ و انحراف معیار ۰/۵۹۳۷) است. بنابراین

جدول ۱۴. آماره‌های توصیفی تغییرات عناصر معیشتی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان

مؤلفه / مقادیر	حوزه	N	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
تغییرات انبارهای آذوقه و محصولات	غربی	۲۴۴	۴/۱۵۵	۱/۰۵۴	۰/۰۶۷
	شرقی	۶۳	۱/۲۰۶	۰/۴۸۰	۰/۰۶۰
تغییرات باغچه در حیاط خانه	غربی	۲۴۴	۴/۱۸۴	۰/۹۲۲	۰/۰۵۹
	شرقی	۶۳	۱/۴۱۲	۰/۷۷۵	۰/۰۹۷
تغییرات آغل و طویله	غربی	۲۴۴	۴/۱۷۶	۱/۱۱۷	۰/۰۷۱
	شرقی	۶۳	۱/۰۷۹	۰/۳۲۶	۰/۰۴۱
تغییرات انبار آذوقه دامی و کاهدان	غربی	۲۴۴	۳/۸۵۶	۱/۲۰۰	۰/۰۷۶
	شرقی	۶۳	۱/۰۳۱	۰/۱۷۶	۰/۰۲۲
کاهش و یا حذف محل نگهداری طیور	غربی	۲۴۴	۴/۲۷۸	۱/۱۳۸	۰/۰۷۲
	شرقی	۶۳	۱/۲۸۵	۰/۶۸۲	۰/۰۸۵
تغییرات تنور خانگی	غربی	۲۴۴	۴/۵۷۷	۰/۹۷۶	۰/۰۶۲
	شرقی	۶۳	۱/۱۴۲	۰/۴۷۰	۰/۰۵۹
ساخت پارکینگ ماشین‌آلات حمل‌ونقل	غربی	۲۴۴	۳/۹۵۰	۱/۱۳۹	۰/۰۷۲
	شرقی	۶۳	۱/۳۳۳	۰/۷۶۲	۰/۰۹۶
ساخت مغازه و کارگاه صنعتی	غربی	۲۴۴	۳/۹۵۰	۱/۱۳۹	۰/۰۷۲
	شرقی	۶۳	۱/۳۳۳	۰/۷۶۲	۰/۰۹۶
تغییرات حیاط ساختمان‌های مسکونی	غربی	۲۴۴	۴/۳۱۹	۱/۰۷۱	۰/۰۶۸

۰/۱۱۴	۰/۹۱۱	۱/۵۵۵	۶۳	شرقی	تغییرات کل عناصر معیشتی
۰/۰۶۸۷	۱/۰۸۴	۳/۸۲۷۲	۲۴۴	غربی	
۰/۰۶۳۷	۰/۵۹۳۷	۱/۲۶۴	۶۳	شرقی	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

است ($Sig < 0/05$) بین دو حوزه غربی و شرقی در تغییرات عناصر معیشتی مسکن تفاوت معنی‌دار وجود دارد. از آنجا که حد بالا و پایین سطح ۹۵ درصد اطمینان مثبت است (کران پایین (۲۳/۶۵) تا کران بالا (۲۸/۴۸))، فرض صفر مبنی بر برابری میانگین در دو حوزه غربی و شرقی مورد مطالعه رد می‌شود.

در جدول ۱۵، میانگین عناصر الگوی کارکردی (عناصر معیشتی) مسکن از دیدگاه پاسخ‌دهندگان مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد، تغییرات عناصر معیشتی مسکن در حوزه غربی در مقایسه با حوزه شرقی از لحاظ آماری به طوری معنی‌دار بیشتر بوده است. چون مقدار Sig به دست آمده، کوچکتر از ۰/۰۵

جدول ۱۵. نتایج آزمون تی برای مقایسه میانگین تغییرات عناصر معیشتی دو حوزه غربی و شرقی شهرستان مریوان

مؤلفه / مقادیر	T	df	Sig.	تفاوت میانگین‌ها	خطای معیار تفاوت‌ها	سطح اطمینان ۹۵٪	
						حد پایین	حد بالا
تغییرات انبارهای آذوقه و محصولات	۲۱/۶۱۳	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۹۴۹	۰/۱۳۶	۲/۶۸	۳/۲۱
تغییرات باغچه در حیاط خانه	۲۱/۹۲۹	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۷۷۱	۰/۱۲۶	۲/۵۲	۳/۰۲
تغییرات آغل و طوبه	۲۱/۷۳۵	۳۰۵	۰/۰۰	۳/۰۹۶	۰/۱۴۲	۲/۸۱	۳/۳۷
تغییرات انبار آذوقه دامی و کاهدان	۱۸/۶۰۹	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۸۲۴	۰/۱۵۱	۲/۵۲	۳/۱۲
کاهش و یا حذف محل نگهداری طیور	۱۹/۹۴۵	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۹۹۲	۰/۱۵۰	۲/۶۹	۳/۲۸
تغییرات تنور خانگی	۲۷/۱۰۷	۳۰۵	۰/۰۰	۳/۴۳۵	۰/۱۲۶	۳/۱۸	۳/۶۸
ساخت پارکینگ ماشین‌آلات حمل‌ونقل	۱۷/۲۵۵	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۶۱۷	۰/۱۵۱	۲/۳۱	۲/۹۱
ساخت مغازه و کارگاه صنعتی	۱۷/۲۵۵	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۶۱۷	۰/۱۵۱	۲/۳۱	۲/۹۱
تغییرات حیاط ساختمان‌های مسکونی	۱۸/۷۸۶	۳۰۵	۰/۰۰	۲/۷۶۴	۰/۱۴۷	۲/۴۷	۳/۰۵
تغییرات کل عناصر معیشتی	۲۱/۲۷۷	۳۰۵	۰/۰۰۰*	۲۰/۰۶۹	۱/۲۲۵	۲۳/۶۵	۲۸/۴۸

Sig.(2.tailed) < ۰/۰۵*

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

یک عامل سیاست‌گذار بیرونی که پس از خاتمه جنگ تحمیلی در قالب اقدامات عمرانی با هدف بازسازی ویرانی‌ها، ایجاد امنیت و اشتغال‌زایی به شکل متمرکزتری طی دو دهه اخیر (۱۳۹۵-۱۳۷۵) در حوزه غربی شهرستان صورت گرفته، مناسبات و روابط پیشین روستایی - شهری ناحیه را بهم زده است. گسترش شبکه معابر روستایی و ایجاد بازارچه‌های مرزی دو اقدام مهم دولت تلقی می‌شود که به شکلی متباین ساختارها و کارکردهای سکونتگاه‌های واقع در حوزه‌های غرب و شرق شهرستان مریوان را دستخوش تغییر قرار داده است. از یک سو اختلاف رشد ۶۲/۲ درصدی طول شبکه راه‌های آسفالت شده و نیز تفاوت ۷۷/۱ درصد سطح برخورداری روستاهای حوزه غربی از جاده آسفالت شده و از سوی دیگر تغییر شغل ۳۵/۵ درصد ساکنان حوزه مذکور از بخش کشاورزی و دامداری به فعالیت‌های تجاری

بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعات جغرافیایی بر مبنای نگرش سیستمی، هر ناحیه جغرافیایی بمنزله سیستم باز تلقی می‌شود که روستاها و شهرها به عنوان دو عنصر اصلی نظام سکونتگاهی دارای ساختار و کارکردهایی هستند که به واسطه اثر متقابل محیط طبیعی و گروه‌های انسانی تکوین می‌شوند. این سکونتگاه‌ها به تدریج طی گذشت زمان و بر حسب دخالت عوامل و نیروهای مختلف درونی و بیرونی دستخوش تغییر و تطور قرار می‌گیرند. شهرستان مریوان بنا به موقعیت ژئوپلیتیک در حاشیه مرز عراق یکی از نواحی مهم روستایی است که شهر مریوان به عنوان کانون اداری، سیاسی و اقتصادی آن عمل می‌کند. این شهر در مراحل آغازین شکل‌گیری روابط یکنواخت نسبتاً همسانی با روستاهای پیرامونی خود داشته است. اما دخالت دولت به عنوان

(ناشی از ایجاد بازارچه مرزی) بالغ بر ۶۲ درصد درآمد ناخالص خانوارهای آن از این محل از مصادیق بارز چنین تبییناتی است. اگرچه یافته‌ها نشان دادند که تغییرات ناشی از اینگونه سیاست‌گذاری‌ها بر ابعاد مختلف سکونتگاه‌های روستایی تأثیر زیادی داشته است، اما در مقاله حاضر بررسی تأثیر آن بر تحولات ساختاری - کارکردی مسکن روستایی مورد تأکید بوده است؛ زیرا بالغ بر ۶۲/۲ درصد جامعه نمونه در حوزه غربی پس اندازهای خود را در زمینه‌های خرید زمین مسکونی و تعمیر و ساخت خانه خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در حالی که این شاخص در حوزه شرقی ۳۸ درصد بوده و مابقی آن‌ها در بخش کشاورزی، باغداری و دامداری سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

مقایسه تغییرات ساختار کالبدی مسکن در دو حوزه نیز بیانگر نتایج تأمل برانگیزی در الگوی ساخت و معماری آن‌ها است. اینکه ۹۷ درصد خانه‌های حوزه غربی و ۲۸/۳ درصد آنها در حوزه شرقی طی دو دهه اخیر ساخته شده‌اند، همچنین تفاوت در مساحت زیربنای آن‌ها (همه خانه‌ها در حوزه غربی بین ۱۵۰-۵۰ مترمربع و ۷۹/۳ درصد آن‌ها در حوزه شرقی بالای ۱۵۰ متر مربع) و نیز اختلاف در نوع مصالح ساختمانی (ساخت ۸۰/۳ درصد خانه‌های حوزه غربی در مقابل ۹/۶ آن‌ها در حوزه شرقی با استفاده از مصالح مقاوم) مؤید اثربخشی متفاوت سیاست‌های مذکور در دو حوزه است. علاوه بر تغییرات ساختاری عناصر کالبدی مسکن، نتایج نشان داد که کارکردهای خانه‌ها در دو حوزه تغییرات زیادی داشته است. بررسی عناصر زیستی مسکن حاکی از تأثیرپذیری از فرهنگ شهری است. افزایش ساخت هال و پذیرایی، آشپزخانه‌های آپن، انتقال حمام و سرویس بهداشتی از حیاط به داخل ساختمان مسکونی منطبق با الگوی شهری نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری است. مضافاً در بخش عناصر معیشتی مسکن، کاهش عناصر مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی مانند کاهش تعداد و مساحت انبارها با ۵۹/۴-، باغچه با ۷۷/۹-، آغل با ۶۶/۴-، طویله و تنور ۱۴۸/۶- و حیاط با کاهش ۷۵/۶- در مقابل با افزایش عناصری مانند پارکینگ با ۶۱۶/۱+، کارگاه تولیدی و مغازه ۵۰۸/۳+ در حوزه غربی در مقابل کاهش ناچیز عناصر معیشتی مرتبط با فعالیت‌های غالب اقتصادی در حوزه شرقی مانند کاهش تعداد و مساحت انبارها با ۵/۳-، باغچه با ۴۶/۳-، آغل با ۲۴-، طویله و تنور ۲۷/۲۸- و حیاط با کاهش ۵/۰۸- در مقابل با افزایش ناچیز عناصری جدید مانند پارکینگ با ۲۰۶+، کارگاه تولیدی و مغازه ۲۹۱/۶+ از مصادیق بارز اثربخشی متباین تقویت پیوندهای شهری - روستایی در تحولات کارکردی مسکن روستایی محسوب می‌شود. همچنین نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد تغییرات عناصر الگوی ساخت و

فرم مسکن در حوزه غربی با میانگین ۳/۷۲، تغییرات عناصر کارکردی (عناصر زیستی با میانگین ۴/۵۱ و عناصر معیشتی با ۳/۸۲) بیشتر از حوزه شرقی است. از سوی دیگر بر اساس نتایج آزمون تی، تغییرات عناصر الگوی ساخت و فرم مسکن، تغییرات الگوی کارکردی مسکن (عناصر زیستی و معیشتی) در حوزه غربی در مقایسه با حوزه شرقی از لحاظ آماری بطوری معنادار بیشتر بوده است. چون مقدار Sig به دست آمده، در همه عناصر مذکور کوچکتر از ۰/۰۵ است (Sig < ۰/۰۵). بنابراین بین دو حوزه غربی و شرقی در تغییرات عناصر کالبدی و کارکردی مسکن تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

مقایسه نتایج این پژوهش با تحقیقات دیگران نشان داد که در زمینه اثرگذاری روابط روستایی - شهری و عامل اقتصادی مداخله‌گر (بازارچه‌های مرزی) بر تغییرات ساختار (الگوی ساخت و فرم مسکن) و کارکرد (عناصر زیستی و معیشتی) مسکن روستایی با پژوهش صیدایی و دیگران (۱۳۹۲)، الیو احمد و دیگران (۲۰۱۴) و اسلامی و دیگران (۱۳۹۸)، در بررسی تغییرات مسکن از لحاظ کاربرد مصالح ساختمانی مقاوم شهری و جایگزینی آن با مصالح سنتی و در کل تحولات ساختاری مسکن در اثر عامل اقتصادی (سرمایه و توان مالی) هم‌سو بوده است. این پژوهش‌ها ساخت و گسترش بنای مقاوم را منوط به عامل اقتصادی می‌دانند. یافته‌های این پژوهش در حوزه غربی در راستای تغییرات ساخت و فرم مسکن با افزایش درآمد متأثر از بازارچه‌های مرزی (عامل بیرونی) مطابقت کامل دارد. از سوی دیگر نتایج این پژوهش برای بیان تأثیرات روابط روستایی - شهری بر ساختار و کارکرد مسکن روستایی با پژوهش‌های مطرح شده در تحقیق، رحمانی و دیگران (۱۳۹۵)، طاهرخانی و دیگران (۱۳۸۳) قادرمرزی (۱۳۸۸) و همچنین پژوهش‌های بانسکی و سولوسکا (۲۰۱۰)، تورگات (۲۰۰۱) مطابقت کامل دارد. این پژوهش‌ها تحولات مسکن روستایی (تغییرات فرهنگی در الگوی مسکن، کارکرد معیشتی و زیستی، رواج سبک معماری شهری، رواج واحدهای مسکونی کوچک مقیاس) را متأثر از گسترش الگوی زندگی شهری در روستاها می‌دانند. پژوهش حاضر تغییرات کارکرد خانه‌های روستایی در دو حوزه غربی و شرقی را منوط به میزان گسترش این روابط در ناحیه مورد مطالعه می‌داند. به گونه‌ای که بناهای مسکونی حوزه غربی در مقایسه با حوزه شرقی به سبب ارتباط بیشتر با شهر می‌توان در معرض تحولات کارکردی مسکن قرار گرفته‌اند.

شایان ذکر است که مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با عنوان «نقش مناسبات و پیوندهای روستایی - شهری در

تحولات ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی
شهرستان مریوان طی دوره‌های زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۵» با
همکاری نویسندگان می‌باشد.

منابع

- اسلامی، لیلا، محمدی‌یگانه، بهروز و چراغی، مهدی (۱۳۹۸). تحلیل عوامل اقتصادی موثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان). *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۳۸(۱۶۶)، ۳۵-۴۸.
- بدری، سیدعلی، دربان آستانه، علیرضا و سعدی، سیما (۱۳۹۶). تأثیر بازارچه‌های مرزی بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین (مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان). *فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی/جغرافیا*، ۷(۳)، پیاپی ۲۶، ۴۱-۶۲.
- جانسون، آربلد (۱۳۷۶). *جغرافیا، تاریخ مفاهیم*. ترجمه جلال تبریزی. (چاپ اول). تهران: انتشارات سیر و سیاحت.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. (چاپ نهم). تهران: انتشارات سمت.
- دولفوس، اولیویه (۱۳۷۳). *تحلیل جغرافیایی*. ترجمه سیروس سهامی. (چاپ اول). مشهد: انتشارات نیکا.
- رحمانی، بیژن، سعیدی‌راد، مجید و جلالی، مهسا (۱۳۹۵). تحولات ساختاری - کارکردی مسکن سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اشتهرینان. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم انداز زاگرس*، ۸(۲۸)، ۱۷۱-۱۴۷.
- رحمانی‌فضل، عبدالرضا، سعیدی، عباس و رحمان‌وند، آرزو (۱۳۹۴). نقش سرمایه‌گذاری‌های شهری در توسعه روستایی. مورد دهستان زاورود (بخش مرکزی شهرستان کامیاران). *جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، دوره جدید، ۱۳(۴۶)، ۵-۱۹.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، اطلاعات آرشیوی، ۱۳۹۵.
- سازمان برنامه‌ریزی و بودجه (۱۳۷۸). *سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران/۱۳۷۹-۱۳۸۳*. پیوست شماره ۲ لایحه برنامه. جلد اول. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۵). *مجموعه اسناد ملی توسعه در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اسناد توسعه ویژه (فرا بخشی)*. جلد دوم. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷). *مبانی جغرافیایی روستایی*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷). *پایداری و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی*. *مجله مسکن و انقلاب*، ۸(۲۷)، ۱۷-۲۲.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱). *پوشش ساختاری - کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی*. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱(۱)، ۱-۱۸.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۲). *روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری یک بررسی ادراکی*. *انجمن جغرافیایی ایران*، ۲(۱)، ۹۰-۷۱.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰). *روابط و پیوندهای روستایی - شهری در ایران*، (چاپ اول). تهران: انتشارات مهرمینو.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۰). *پوشش ساختاری - کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی*. *انجمن جغرافیایی ایران*، ۹(۲۹)، ۱۶-۷.
- سعیدی، عباس و تقی زاده، فاطمه (۱۳۸۴). *پیوندهای روستا شهری و توسعه منطقه‌ای، بررسی تطبیقی شهرستان‌های باغملک و اردکان*. *جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)*، دوره جدید، ۳(۷-۶)، ۳۳-۴۷.
- شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۷). *جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاها از محیط‌های شهری*. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۲۷(۱۲۴)، ۵۱-۴۰.
- صیادی، اسکندر، صادقی، حجت‌اله و فدایی، معصومه (۱۳۹۴). *بررسی تغییرات کالبدی و فضاهای جدید مسکن در روستا - شهرها (مطالعه موردی: روستا - شهر ده چشمه؛ شهرستان فارس)*. *مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*. پیاپی (۳۳)، ۹۰-۷۷.
- طالشی، مصطفی، سلطانی‌مقدس، ریحانه، غفاری، سیدرامین و کرمی‌فر، عصمت (۱۳۹۵). *واکاوی تأثیر ساختار اقتصادی محصولات زراعی بر پیوندهای روستایی - شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دزفول)*. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۲)، پیاپی ۱۴، ۲۱۲-۱۹۵.
- طاهرخانی، مهدی و افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۳). *تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین*. *نشریه مدرس علوم انسانی*، ۴(۸)، پیاپی ۳۵، ۱۱۲-۷۹.
- عزیزپور، فرهاد، و قاسمی، سیده عاطفه (۱۳۸۹). *نقش منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی (عسلویه) در تحول مکانی -*

- استفاده از تکنیک‌های MADM شهرستان ماسال. فصلنامه مدیریت شهری، (۱۴)، ۴۰، ۳۵۹-۳۸۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران.
- مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۷). پایگاه علم جغرافیا در ایران. (چاپ اول). تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- ناندی، آسیش (۱۳۷۷). دولت: در نگاهی نو به مفاهیم توسعه. ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی. تهران: نشر مرکز.
- نظری، عبدالحمید (۱۳۸۰). نقش برنامه‌های عمرانی دولت در تحولات فضایی نظام سکونتگاه‌های روستایی استان گلستان (مورد: شهرستان گنبدکاووس). پایان‌نامه دکتری، گروه علوم جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی.
- نظری، عبدالحمید و پک، محمود (۱۳۹۱). ارزیابی الگوی بومی مسکن ترکمن در طرح بهسازی مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان آق‌آباد، شهرستان گنبدکاووس). برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، (۱۱)، ۳۸-۲۷.
- هنگ مرزی شهرستان مریوان، اطلاعات آرشیوی، ۱۳۹۵.
- Ahmad, A. A., Zubairu, A. G., Muhammad, U., B., & Rozilah, K. D. M. (2014). A Theoretical Perspective on Rural Housing Development and the Problems Associated with Housing Developers in Nigeria: Evidence from Dass Metropolis. *Journal of Environment and Earth Science*, 4(16), 56-60.
- Banski, J., Wesolowska, M. (2010). Transformations in housing construction in rural areas of Poland sublin Region- Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning Journal*, (94), 116-126.
- Beel, D., Martin, J., & Alex, P. (2019). Urban growth strategies in rural regions: building The North Growth Deal, REGIONAL STUDIES, DOI: 10.1080/00343404.2019.1669783. published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group.
- Ghiurca, A., Andrea, L., & Florin Constantin, M. (2012). Rural urban relations in the context of sustainable development. Case Study: Cuediu Valley Basn, Neamt County. *Lucraristi*
- فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه موردی: روستای اخند (ناحیه کنگان). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، (۱۹)، ۹۷-۱۱۰.
- قادرمرزی، حامد (۱۳۸۸). تحولات ساختاری - کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرایند گسترش فضایی شهری طی دوره ۸۵-۱۳۵۵. پایان‌نامه دکتری، گروه علوم جغرافیایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- لینچ، کنت (۲۰۰۵). روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه. ترجمه محمدرضا رضوانی و داود شیخی. چاپ اول. تهران: انتشارات پیام.
- محمدزاده لاریجانی، فاطمه (۱۳۸۹). تحلیل تغییرات کارکردی و گذر از روستاهای کشاورزی به روستاهای گردشگری دهستان فیروزجاه شهرستان بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- مرادی اسطخ زبیر (۱۳۹۴). شناخت و اولویت‌بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با *intificevol.55(2)/2012, seria Agronomie.*
- Haggett, P. (1972). *A Modern Geography*. Edward Arnold. London.
- Kumar, A., Aniruddha, D., & Rajat, S. (2017). Rural Housing in India: Status and Policy Challenges. Lokashraya Foundation, <https://www.researchgate.net/publication/319037923>
- Ling, W., & Dong, J. F. (2018). Rural vitalization-oriented suitability evaluation index for green technologies of rural housing in Northeast China, IOP Conf. Series: *Earth and Environmental Science*, (188), 1-8.
- Siechiping, R., Kago, J., Zhang, X. Q. Augustinus, C. & Tuts, R. (2015). *Urban-rural linkages and the role of land tenure systems*. Paper presented at The 2015 World Bank Conference On Land And Poverty. Washington, DC, March 22-25.
- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*, (1), 17-25.